

## سازمان اطلاعات و امنیت کشور

(گام به گام تا تأسیس ساواک)

مظفر شاهدی

shahedi@iichs.org

تأسیس «ساواک» (مختصر شده عبارت «سازمان اطلاعات و امنیت کشور») از جمله مهم‌ترین رهاوردها و تبعات کودتای تأسفاتبار ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. نظام نیم‌بند مشروطه، که طی ۱۲ ساله نخست سلطنت محمدرضا شاه پهلوی جانی دوباره گرفته بود، به دنبال کودتا یکسره در معرض تاخت و تازهای حکومت و حامیان خارجی آن قرار گرفت و برای تضمین تداوم موقعیت جدید سازوکارهای سیاسی و امنیتی نوینی اندیشیده شد.

در مقاله پیش رو تلاش می‌شود نشان داده شود که تشکیل و تداوم فعالیت‌های ساواک اساساً در راستای پیش‌برد دو هدف عمده، که در همان حال مشی همسویانه‌ای را دنبال می‌کردند، صورت عملی به خود گرفت: اول، حمایت از شیوه سراسر گسترش یابنده استبدادی و خودکامه حکومت و سرکوب بدون اغماض مخالفان و منتقدان داخلی رژیم پهلوی؛ دوم، تقویت موقعیت سلطه‌جویانه و استقلال‌شکنانه آمریکا و غرب در ایران. پس از سقوط رضاشاه قدرت بلامنازع شه‌رسانی و اداره تأمینات آن سخت دچار رکود شد و در دامنه فعالیت‌های اساساً ضدانسانی مأموران اداره آگاهی و پلیس سیاسی آن کاهش

چشمگیری پدید آمد. به‌ویژه پس از آنکه برخی از مهم‌ترین جنایتکاران پیشین شهربانی دستگیر و تحت تعقیب قرار گرفتند، به تبع آن در نظام خشن پلیسی و اطلاعاتی شکل گرفته در تشکیلات گسترده شهربانی هم نقصانی جدی پدیدار شد و تا سالها آن روش ستمکارانه پیشین در تعقیب و دستگیری، شکنجه و زندان مخالفان سیاسی و غیره دنبال نشد. با این حال دستگاه اطلاعاتی - جاسوسی شهربانی یکسره از کار نیفتاد. ولی به خاطر تحولات سیاسی - اجتماعی نوینی که در عرصه کشور در حال شکل‌گیری بود، روشهای مذموم گذشته به‌ندرت در شهربانی و اداره آگاهی آن مجال بروز و ظهور یافت و این روند تا کودتای معروف ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت.

بدین ترتیب طی دوازده سال نخست سلطنت محمدرضاشاه که جلوه‌هایی از نظام مشروطه و روش دموکراتیک حکومت در عرصه کشور نمودار شده بود، دستگاه اطلاعاتی - امنیتی و نیز پلیس سیاسی چندان وجود نداشت. با این حال، در برخی مقاطع همین دوران دوازده ساله دستگاه شهربانی در مسائل سیاسی روز دخالت می‌کرد و به سود یا زیان برخی گروههای سیاسی، دربار و غیره وارد عمل می‌شد. اما این‌گونه اقدامات انسجام یافته نبود و در عین حال تداومی جدی هم نداشت. در همان حال رکن دو ستاد ارتش و فرمانداری نظامی هم در جنبه‌هایی از امور اطلاعاتی - امنیتی و پلیسی دخالت‌های مؤثری می‌کردند. اما هیچ‌کدام از این تشکیلات یادآور روشهای غیراصولی پیشین شهربانی در دوره رضاشاه نبود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق، در روندی تدریجی ولی مداوم، فضای سیاسی، اجتماعی کشور به سوی روشهای ناپسند دوران رضاشاه سیر کرد و هنگامی که در اواخر سال ۱۳۳۵ شمسی با تصویب قانون تأسیس و تشکیل ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) دستگاه اطلاعاتی - امنیتی انسجام‌یافته‌ای در ایران شکل گرفت، بسیاری از روشهای نامطلوب و غیراصولی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه کشور در حال خودنمایی بود.

از همان آغاز امر، آگاهان به امور، به درستی درک کرده بودند که با تشکیل ساواک بار دیگر حکومتگران در مسیری به شدت انحراف‌آمیز راه پیش خواهند گرفت. این بار هم دستگاه اطلاعاتی و امنیتی کشور قدم در راهی نهاد که پیش از آن شهربانی رضاشاه آن را آزموده و قریب به دو دهه حقوق اساسی مردم کشور را نقض کرده حمایتگر روش استبدادی حکومت شده بود. طرح تشکیل ساواک زمانی ضرورت پیدا کرد که محمدرضاشاه هر روز با تکیه به

بیگانگان در مسیر احیای حکومت فردی مستبدانه حرکت کرده و با حمایت و پشتیبانی قدرتهای خارجی مسیری را که قبل از او پدر تاجدارش بر آن نهج حکم رانده بود گام نهاد و به تبع آن هرچه روند مشروطیت‌زدایی و گرایش به سوی روشهای استبدادی و خودکامه حکومت نمود بیشتری می‌یافت ساواک هم بر روشهای انحراف‌آمیز اطلاعاتی - امنیتی و پلیسی خود می‌افزود. بنابراین مبحث پیش‌رو بر فرضیات زیر استوار خواهد بود:

۱. زمانی ضرورت وجودی تأسیس ساواک احساس شد که حاکمیت پهلوی با جلب اعتماد بیگانگان به سوی مشی استبدادی و خودکامه سیر نمود.

۲. قدرتهای خارجی (آمریکا و انگلستان) که به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت دکتر مصدق را سرنگون و نظامی دلخواه جایگزین آن کرده بودند، به تدریج تشکیل سازمان پلیسی - امنیتی و اطلاعاتی جدیدی را مورد توجه قرار دادند که بتواند منافع درازمدت آنان را در ایران تضمین کند و بنابراین این دو کشور و بالاخص آمریکاییها پیشگام تکوین، تشکیل و هدایت ساواک شدند تا از یک سو بتوانند بر مخالفت‌های داخلی پایان دهد و از سوی دیگر آنان را در اهداف اطلاعاتی - جاسوسی منطقه‌ای و غیره یاری دهد. بدین ترتیب ساواک برخلاف آنچه از نامش هویدا بود برای سلب امنیت داخلی و نیز نقض و تضعیف حاکمیت و استقلال ایران، در سطوح و شئون گوناگون، گام در عرصه وجود نهاد. پیش از آنکه ساواک تشکیل شود فرمانداری نظامی که در رأس آن تیموربختیار بود، بسیاری از موانع مشروطیت‌زدایی و نقض صریح قانون اساسی و سیر به سوی روشهای استبدادی حکومت را از میان برداشته و با تحکیم موقعیت و نفوذ سیاسی، اقتصادی آمریکا و انگلیس در ایران اینک آماده بود مجموعه مسئولیت‌هایش را (البته) در مقیاسی بسیار گسترده‌تر به مولود جدید (ساواک) واگذار کند.

## قانون امنیت اجتماعی دکتر مصدق

برخی از مخالفان دکتر مصدق قانون امنیت اجتماعی او را که با استفاده از لایحه اختیارات شش‌ماهه‌اش از مجلس شورای ملی تهیه و تصویب نمود به عنوان مقدمه‌ای برای تشکیل ساواک در بیش از چهارسال بعد ارزیابی کرده‌اند. قانون مذکور که شامل ۹ ماده و چند تبصره است در اول آبان ۱۳۳۱ از سوی دکتر مصدق تهیه شد و مقرر می‌داشت تا سه ماه بعد ضمانت اجرایی خواهد داشت. تردیدی نیست که اقدام مصدق در

اخذ اختیار قانونگذاری از مجلس دوره هفدهم از اشتباهات فاحش دوران نخست‌وزیری او محسوب می‌شود و همان مجلس هفدهم هم که این اجازه را به نخست‌وزیر اعطا کرد البته گناه مضاعف‌تری مرتکب شد. در هر حال اطلاق نام قانون بر تمام آن مقررات و لوایح و سایر دستورالعملهایی که از سوی مصدق و یا هر مرجع دیگری تهیه و تصویب شد دور از منطق و انصاف است. قانون واژه‌ای است که فقط پس از تأیید و تصویب مجلس شورای ملی مفهوم پیدا می‌کند.

بدین ترتیب آنچه تحت عنوان قانون امنیت اجتماعی مصدق معروف شده است البته اقدامی فراقانونی و باطل بود. اما در هر حال مقرراتی که تحت عنوان قانون امنیت اجتماعی تدوین شد محدودیت‌هایی برای جامعه سیاسی - اجتماعی ایران آن روزگار ایجاد می‌کرد و در همان حال مراجع دولتی و حکومتی را برای اعمال فشار بر مخالفان سیاسی و انتقادکنندگان گشاده‌دست می‌ساخت و دستاویزی علی‌الظاهر قانونی و رسمی برای محدود ساختن آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی بود.

گمان می‌رود مصدق که خود را پاسدار نظام دموکراتیک حکومت فرض می‌کرد با وضع این مقررات آشکارا در نقض قانون اساسی مشروطیت گام نهاده بود. مصدق حتی اگر سیر حوادث سیاسی، اجتماعی داخلی به دلیلی امکان تداوم نخست‌وزیری او را با مشکلات عدیده روبه‌رو می‌ساخت، نمی‌توانست با اقداماتی از این‌گونه در راستای محدود ساختن حقوق اساسی جامعه ایرانی گام بردارد. با این حال نمی‌توان تردید کرد که این مقررات و یا چنانکه معروف است قانون امنیت اجتماعی مصدق هیچ ارتباط منطقی با آنچه بیش از چهار سال بعد در تشکیلات ساواک متبلور شد، ندارد. در متن قانون امنیت اجتماعی دکتر مصدق چنین آمده بود:

#### قانون امنیت اجتماعی مصدق

متن قانون امنیت اجتماعی که به موجب اختیارات شش ماهه به تصویب و امضای دکتر مصدق رسیده بود، به شرح زیر است:

«لایحه قانون امنیت اجتماعی» که به تصویب دکتر مصدق - نخست‌وزیر - رسید و به وزارتخانه‌های دادگستری، دفاع ملی، کار، کشور، دارایی و سازمان برنامه جهت اجرا ابلاغ گردید:

ماده ۱. هرکس کارگران و کارمندان کارخانه‌ها و کارگاههای مشمول قانون کار و بنگاهها را تحریک به اعتصاب و عصیان و نافرمانی و تمرد و یا اخلال در نظم و آرامش

نماید، دستگیر و بازداشت شده و از سه ماه تا یک سال تبعید و ملزم به اقامت اجباری در نقطه معین خواهد شد. در مدت محکومیت تبعید و اقامت اجباری از اخذ مزد یا حقوق نیز محروم خواهد بود.

تبصره — اعتصاب در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و امثال آن و در مؤسسات مربوط به خدمات عمومی از قبیل آب و برق و پست و تلفن و تلگراف و رادیو و بیمارستانها و داروخانه‌ها و راه‌آهن دولتی و وسائل نقلیه عمومی مطلقاً [ممنوع است] و اعتصاب‌کنندگان به مجازات مزبور محکوم خواهند شد.

ماده ۲. هرکس کارمندان ادارات دولتی و مؤسسات عمومی را وادار به اعتصاب و یا تحریک به اخلال در نظم و آرامش و یا تمرد و عصیان نماید و همچنین کسانی که در ادارات و مؤسسات عمومی و دادگاهها و دادرها برخلاف نظم و آرامش و انتظامات داخلی رفتار و جنجال و داد و فریاد و یا به منظور توهین و ارباب و تحت تأثیر قرار دادن مراجع اداری و قضایی و یا تحسن و یا هرگونه تظاهری نمایند، بازداشت و مجازات مقرر در ماده قبل برای آنها تعیین می‌گردد و همچنین مجازات درباره توطئه و مواضع‌کنندگان برای اجرای اعمال مزبوره در این ماده و ماده فوق معمول خواهد شد و هرگاه مرتکب، کارمند دولت باشد، در مدت محکومیت و اقامت اجباری از اخذ مزد یا حقوق نیز محروم خواهد بود.

ماده ۳. اجتماعات آزاد است ولی اجتماعات در معابر عمومی و بازارها به منظور مبارزه و زد و خورد و همچنین اجتماعاتی که حرکات و تظاهرات آنها ایجاد اضطراب و تشویش در افکار عمومی نموده و یا نظم و آرامش و آسایش عمومی را مختل کند، ممنوع است. متخلفین برای مدت معینی از شش ماه تا دو سال تبعید و ملزم به اقامت اجباری خواهند شد. در صورتی که مرتکب، مستخدم دولت باشد، در مدت محکومیت تبعید و اقامت اجباری از گرفتن حقوق محروم خواهد بود.

ماده ۴. مأمورین انتظامی پس از بازداشت مرتکب، صورت مجلس مشتمل بر تحقیقات و شناسایی وی تهیه و پرونده امر را نزد دادستان می‌فرستند؛ دادستان در صورت ملاحظه قرینه بر توجه اتهام فوری، قرار بازداشت متهم را صادر و بلافاصله تحقیقات خود را در دادستانی یا معادل قضایی او انجام و در صورت فقد دلیل، دستور منع و رفع بازداشت را صادر و در صورتی که عقیده بر مجرمیت داشته باشد، کیفرخواست تهیه و به دادگاه می‌فرستد. قرار دادستان مبنی بر بازداشت متهم قطعی و غیرقابل شکایت است..

ماده ۵. گزارش مسئولین مؤسسات و رؤسای ادارات دولتی و مراجع قضایی و همچنین



دکتر مصدق و تعدادی از اعضای کابینه اش در مجلس شورای ملی [۳۷۱۹-۴۴]



مأمورین انتظامی معتبر است مگر خلافش ثابت شود.

ماده ۶. هرگاه دادستان یا معادل قضایی او حین وقوع حادثه مستحضر شده، موظف است که در محل وقوع حاضر شده و از تحقیقات و مشاهدات و دلایل و مدارک جمع‌آوری شده صورت مجلس ترتیب داده، طبق موارد مذکور فوق اقدام به عمل آورد.

ماده ۷. مرجع رسیدگی دادگاه جنحه یا قائم‌مقام آن می‌باشد، رسیدگی باید فوری و خارج از نوبت به عمل آمده و دادرسی تا صدور حکم، بدون فاصله جریان یابد، احکام دادگاه جنحه قطعی است.

تبصره - در نقاطی که حکومت نظامی اعلام گردد، اجرای مقررات این لایحه قانونی به عهده فرمانداری نظامی و حکم دادگاه بدوی حکومت نظامی قطعی است.

ماده ۸. مدت لایحه قانون سه ماه از تاریخ انتشار است.

ماده ۹. وزات دادگستری، دفاع ملی، کشور، دارایی، کار و سازمان برنامه، مأمور اجرای این لایحه قانونی است.

بر طبق اعطای امتیازات مصوب بیستم مرداد ۱۳۳۱ لایحه قانونی راجع به امنیت اجتماعی که مشتمل بر ۹ ماده و دو تبصره است، تصویب می‌شود.

به تاریخ ۳۱/۸/۱ نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق<sup>۱</sup>

چنانکه از متن این مقررات برمی‌آید بسیاری از مفاد و اصول آن آشکارا ناقض قانون اساسی و تهدیدکننده حقوق سیاسی مردم کشور بود و در همان دوران هم مورد اعتراض بسیاری از افراد و گروه‌های سیاسی قرار گرفت.<sup>۲</sup> این قانون موجب شد تا سالها پس از تشکیل ساواک و آشکار شدن اعمال خلاف روبه پرشمار آن مخالفان مصدق او را پیشگام تشکیل ساواک خطاب کنند و از این رهگذر انتقادات تندی متوجه او سازند<sup>۳</sup> و ساواک را مولود دوران نخست‌وزیری او بدانند.<sup>۴</sup>

گفته شده است که برخی از نزدیک‌ترین یاران دکتر مصدق پس از تصویب و تهیه این

۱. تقی نجاری‌راد. ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم پهلوی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸. صص ۲۲۷-۲۲۸.

۲. محمد زنگ. تحول نظام قضایی ایران از مشروطه تا سقوط رضاشاه. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱. ج ۲، صص ۱۱۲-۱۱۳.

۳. مصطفی الموتی. ایران در عصر پهلوی. لندن، پگا، مهر ۱۳۷۰/۱۹۹۱م. ج ۱۰، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۴. همان، ص ۱۶۸.

مقررات به اصطلاح قانونی راه خود را از او جدا کرده و به صف مخالفان پیوستند.<sup>۵</sup> با این احوال برخی از آگاهان بر امور به‌رغم انتقاداتی که به این مقررات وارد ساختند از اینکه آن را مقدمه تأسیس ساواک بدانند اجتناب ورزیدند. سیاوش بشیری که کتابی درباره ساواک تحت عنوان *قصه ساواک* نوشته است، درباره قانون امنیت اجتماعی مصدق و ارتباط آن با ساواک چنین می‌نویسد:

برخلاف آنچه گفته می‌شود قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) مولود قانون امنیت اجتماعی دکتر مصدق نیست. ساواک به منظور جمع‌آوری و استفاده لازم از اطلاعات خارجی تأسیس شد و قسمت امنیت داخلی این سازمان در ارتباط با عوامل مستقیم و غیرمستقیم اجنبی فعالیت می‌کرد و حال آنکه قانون امنیت اجتماعی دکتر مصدق برای اعمال حاکمیت و نظرات دولت تنظیم و اجرا شد.<sup>۶</sup>

منصور رفیع‌زاده آخرین نماینده ساواک در آمریکا که بعدها خاطراتش را در کتابی تحت عنوان *شاهد* به چاپ رسانید ضمن انتقاد از قانون امنیت اجتماعی مصدق که ناقض حقوق اساسی مردم کشور بود ارتباطی میان آن با قانون تشکیل ساواک و فعالیت‌های آتی آن نمی‌بیند. رفیع‌زاده بدون اشاره به ارتباط میان آن دو درباره قانون امنیت اجتماعی مصدق چنین اظهار عقیده می‌کند:

در همین اوضاع و احوال، قانون امنیت ملی که در ژانویه ۱۹۵۲ به تصویب رسید، بسیاری از حقوق مردم را از بین برد. به موجب این قانون اظهارات پلیس یا وزارت دادگستری ایران درست تلقی می‌شد مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. به عبارت دیگر، فرد مادامی که بی‌گناهی‌اش ثابت نمی‌شد، مجرم محسوب می‌شد و می‌شد افراد را بدون اطلاع آنها از اتهام، بازداشت و زندانی کرد. اجتماع بیش از دو نفر ممنوع بود و در نتیجه تظاهرات و اعتصابها غیرممکن شده بود؛ حتی اعتراف به داشتن نیت انجام کاری جرم محسوب می‌شد. دکتر بقایی با تمدید اختیارات ویژه نخست‌وزیر و حکومت نظامی مخالف بود، زیرا دولت نتوانسته بود به اصلاحاتی که هنگام درخواست این اختیارات ویژه از سوی مصدق وعده داده شده بود، دست یابد.<sup>۷</sup>

از مهم‌ترین کسانی که در همان هنگام تصویب قانون امنیت اجتماعی مصدق سخت

۵. منصور رفیع‌زاده. *شاهد: خاطرات منصور رفیع‌زاده*. ترجمه اصغر گرشاسبی. تهران، اهل قلم، ۱۳۷۶. ص ۱۰۱.

۶. مصطفی الموتی، همان، صص ۱۶۸ و ۱۷۰.

۷. منصور رفیع‌زاده، همان، ص ۱۰۱.



بر آن انتقاد کرد دکتر مظفر بقایی کرمانی بود. او در مجلس شورای ملی مضرات بسیاری برای آن برشمرد و آن را مخل آزادیهای مشروع سیاسی و اجتماعی مردم کشور ارزیابی نمود و مواردی از آن را بدتر از قانون یاسای چنگیزی دانست و اجرای آن را بیش از آنکه متضمن جلوگیری از فعالیت مخالفان قانون اساسی و آزادیهای سیاسی مردم کشور بداند، محملی قانونی برای مجازات آزادیخواهان دانست و به طور تلویحی مصدق را شماتت و سرزنش کرد که پس از عمری آزادیخواهی و طرفداری از قانون اساسی مشروطیت، خود گرفتار روش استبدادی حکومت شده است.<sup>۸</sup>

با تمام این ایراداتی که نسبت به قانون امنیت اجتماعی مصدق گرفته شده است و اساساً هم بسیاری از این ایرادات بر آن اقدام مصدق مصداق دارد، اما تردید نمی‌توان کرد که این مقررات قانونی که محدوده زمانی خاصی هم برای اجرای آن در نظر گرفته شده بود، هیچ‌گونه ارتباطی با قانون تشکیل ساواک و عملکرد بعدی آن ندارد و چنانکه درمباحث آتی هم خواهد آمد پدیدآورندگان ساواک و نیز تصویب‌کنندگان قانون آن در مجلس هم هیچ اشاره‌ای به وجود ارتباط میان آن با قانون امنیت اجتماعی دکتر مصدق نکردند.

### کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مقدمه تشکیل ساواک

هرگاه بتوان مقدمه و آغازی برای روند و دلایل تشکیل ساواک قائل شد، کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌تواند نقطه عطف و عزیمت این جریان باشد. امروزه دیگر کسی در نقش مستقیم و به شدت اثرگذار کشورهای انگلیس و آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد تردیدی روا نمی‌دارد. تاکنون درباره این واقعه مهم صدها جلد کتاب، مقاله و نوشته چاپ و منتشر شده است که تقریباً همه آنها بر نقش انکارناپذیر انگلیس و آمریکا در وقوع این رخداد تأکید و اصرار دارند.

کرمیت روزولت عامل اصلی کودتا در کتابی که محتوای آن اساساً به این واقعه اختصاص دارد، صراحتاً به نقش خود و آمریکاییها و انگلیسیها در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اعتراف دارد و نویسندگان پرشمار دیگری که در داخل و خارج ایران به بررسی علل و ریشه‌های

۸. مظفر بقایی کرمانی. *شناخت حقیقت در پیشگاه تاریخ*. کرمان، پارم چاپ کرمان، بی‌تا. صص ۶۸-۷۶ و ۱۲۲-۱۲۶.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرداخته‌اند، تردید نکرده‌اند که نقش انگلیس و آمریکا در آن واقعه تأسفاتر قابل توجه و در واقع تعیین کننده بوده است.

بدین ترتیب باید سازمان سیا و اینتلیجنس سرویس را طراح و مجری اصلی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در نظر گرفت که با همراهی عوامل ایرانی، دربار و وابستگان به محافل خارجی قدرت در ایران، دولت درحال احتضار دکتر محمد مصدق را به سقوط کشانیدند و چنانکه دلخواهشان بود، مهره‌های سر به راهی جایگزین آن ساختند تا هر آنچه می‌خواهند در فضای سیاسی مطلوب و بدون مشکلی کسب کنند.<sup>۹</sup> بدین ترتیب:

به دنبال سفر روزولت به تهران، سیا به بررسی طرح عملیات «چکمه» پرداخت که اصولاً از طرف (AHOC) و ام - آی - ۶ تنظیم شده و به نظر آمریکاییها بسیار پیچیده سخت و چندجانبه می‌رسید. از این رو به دونالد ویلبر مأموریت داده شد طرح قابل انعطاف تری تهیه کند، که او هم این کار را انجام داد و طرح جدید عملیات «آژاکس» نام گرفت. ویلبر با روزولت در بیروت ملاقات کرد و آنها به اتفاق عمال دیگر سیا طرح «آژاکس» را مورد بررسی قرار دادند و پس از بررسیها، طرح به لندن فرستاده شد و به وسیله مأموران ام - آی - ۶ تکمیل نهایی آن در ژوئن سال ۱۹۵۳ انجام گرفت و بالاخره چرچیل که سرش برای ماجراهای هیجان انگیز و دراماتیک درد می‌کرد و از این قبیل کارها لذت می‌برد آن را مورد تصویب قرار داد.<sup>۱۰</sup>

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اهداف کوتاه مدت و بلندمدتی را برای آمریکاییها و انگلیسیها دنبال می‌کرد. آنی ترین هدف کودتا از میان برداشتن دولت مصدق بود که به انحاء گوناگون بر سر راه نفوذ آنان مشکل آفرینی کرده بود. با نیل به این مقصود، هدف مهم تر تسلط دوباره بر سر پلهای نفتی ایران در انتظار آنان بود و در این میان آمریکاییها بیش از انگلیسیها سود بردند که تا آن هنگام هیچ گاه به طور جدی از عایدات سرشار نفت ایران بهره مند نشده بودند. ضمن اینکه با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انگلیسیها هم بخش عمده‌ای از منافع از کف داده را بار دیگر صاحب شدند.

۹. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: دیوید وایز و تاماس راس. سیا: حکومت نامرئی. ترجمه عبدالله گله‌داری. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸. ج ۱، صص ۱۱۸-۱۲۲؛ شعبان جعفری. خاطرات شعبان جعفری. به کوشش هما سرشار. تهران، ثالث، ۱۳۸۱. صص ۴۱۲-۴۱۳؛ غلامرضا کرباسچی. روزشمار روابط ایران و آمریکا. تهران، بقعه، ۱۳۸۰. ص ۸۸.

۱۰. مصطفی علم. نفت، قدرت و اصول. ترجمه غلامحسین صالحیار. تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴. ص ۴۶۳.

عقد قرارداد کنسرسيوم نفت که در دوران نخست‌وزيري سپهبد زاهدي عملي شد، سرآغاز نيل به اين هدف استراتژيک اقتصادي و سياسي بود. اما آمريکاييها هدفشان صرفاً کسب عايدات و منافع نفت نبود. اين بار آنان به جد بر آن بودند به عنوان تنها قدرت خارجي مسلط در شئون مختلف ايران نفوذ کرده، جاي پايي استراتژيک که هدف دائمي و بلندمدت آنان را دنبال کند، به دست آورند.

بدین ترتیب بود که هرچه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمان بیشتری سپری می‌شد نفوذ و قدرت آمريکاييها در شئون مختلف ايران پررنگ‌تر می‌شد؛ تا جایی که طی یک دهه بعد آمريکاييها بر بسياری از اهداف اقتصادي، سياسي، اطلاعاتي - امنيتي و فرهنگي مورد نظر در ايران دست يافته بودند و به سرعت در حال تثبيت موقعيت بلامنازع خود در ايران بودند.

ايران در حوزه جغرافيايي - سياسي بسيار حساسي از دسته‌بنديهای جهاني قرار داشت و بالأخص به سبب دارا بودن مرزهای طولاني با شوروی سوسياليستي که در آن روزگار رقيب جدی و درجه اول برای آمريکا محسوب می‌شد، سياستگذاران آن کشور به گسترانیدن هرچه بیشتر حوزه‌های نفوذ خود در ايران احساس نيازي تمام نشدنی می‌کردند.

فراموش نکنيم که یکی از اهداف و يا دستکم دستاویزهای مهم کودتا جلوگيري از نفوذ و رسوخ احتمالي کمونيسم در ايران بود. بدین ترتيب خیلی زود محمدرضا شاه و نظام حکومتي آن برای آمريکاييها اهميت استراتژيک بی‌بديلي پيدا کردند.

با چنین اهدافی بود که آمريکاييها پس از مدتی احساس کردند نيازمند دستگاہی اطلاعاتي - امنيتي هستند که علاوه بر پايان دادن به مخالفت‌های داخلی کشور ياريگر اهداف استراتژيک سياسي، اطلاعاتي و امنيتي آنان برای مرزهای ايران و نیز ساير نقاط جهان باشد. بنابراین آمريکاييها از تأسيس ساواک به مراتب بيش از حکومتگران ايران و نیز ساير رقبا و دوستان خارجي خود در عرصه سياسي، اجتماعي و اقتصادي ايران سود می‌بردند. آمريکاييها به‌ويژه پس از تشکيل ساواک اميدواری بسياری به دست می‌آوردند تا از طريق اين تشکيلات جديد مخالفان ايراني را، که تعداد آنان البته رقم پرشماری را

تشکیل می‌دادند، سرکوب کنند و به انزوا بکشانند.<sup>۱۱</sup>

آمریکاییها پس از کودتای ۲۸ مرداد به سرعت تلاش کردند با گسترش هرچه بیشتر سلطه خود بر حکومت پهلوی حضور سایر رقبای سیاسی - اقتصادی خود را در عرصه‌های مختلف ایران تحت‌الشعاع قرار داده، احساس نیاز همیشگی به حضور خود در ایران را به شاه<sup>۱۲</sup> و حکومت او بقبولانند. روند رو به افزایش کمکهای مالی، تسلیحاتی و اقتصادی آمریکا به دولتهای ایران (پس از کودتا) در راستای نیل به همین مقصود صورت عملی می‌گرفت.<sup>۱۳</sup> بدین ترتیب، آمریکا:

۱. به رژیم کودتا کمک کرد تا مخالفان خود از اقصای و گروههای مختلف سیاسی، اجتماعی را سرکوب و تا مدتی آنان را منزوی سازد.
۲. با حل مسئله نفت و کمکهای اقتصادی متعدد مشکلات اقتصادی رژیم را مرتفع سازد.
۳. سیاست خارجی ایران را در راستای اهداف و خواسته‌های منطقه‌ای و جهانی خود سوق دهد.
۴. با تضعیف و اعمال فشار بر گروههای مختلف دینی و اسلامی زمینه‌های داخلی مخالفت با حضور خود در ایران را کاهش دهد.
۵. ساختار اقتصادی را در مسیر وابستگی هرچه بیشتر تغییر جهت دهد.
۶. با سرکوب و تضعیف شدید حزب توده و گروههای چپ زمینه‌های داخلی نفوذ احتمالی شوروی را در ایران به حداقل برساند.
۷. با اعمال نفوذ در انتصاب نخست‌وزیران مطیع و طرفدار سیاست آمریکا در ایران با انعطاف عمل بیشتری طرحهای خود را در ایران مجرا دارد.
۸. با وارد کردن ایران به پیمانهای منطقه‌ای (نظامی و اقتصادی) کمربند امنیتی قابل اتکایی برای تحکیم نفوذ و سلطه خود در منطقه ایجاد کند.
۹. با اعمال سیاستهای فرهنگی - اجتماعی دلخواه ایرانیان را به تبعیت از روش زندگی غربی و به‌ویژه آمریکاییها سوق دهد.<sup>۱۴</sup>

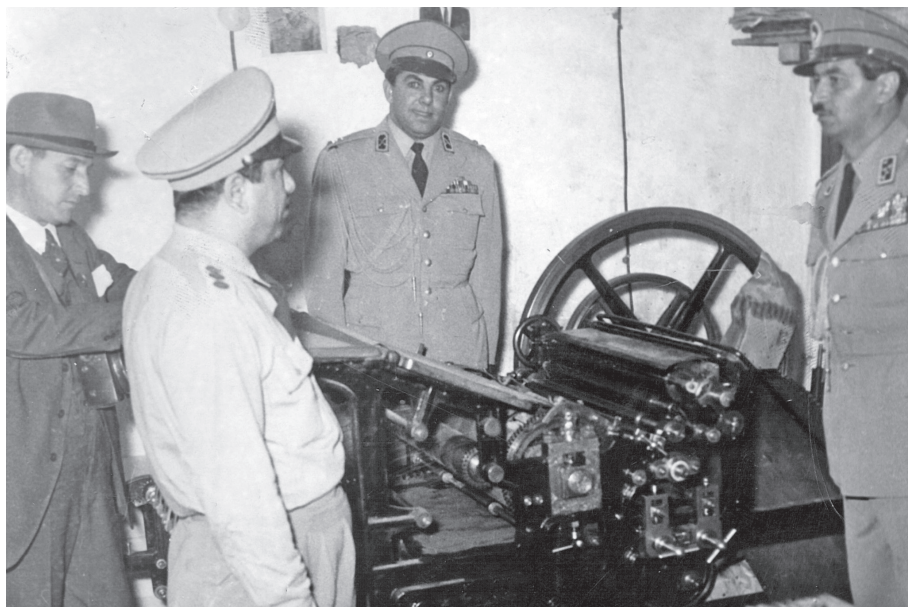
---

۱۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: جواد منصوری. *تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد*. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷. ج ۱، صص ۱۶-۳۵؛ شمس آل احمد. *از چشم برادر*. قم، کتاب سعدی، ۱۳۶۹. صص ۶۴-۶۵.

۱۲. در مباحث آتی هرگاه واژه شاه به کار رود مقصود محمدرضاشاه پهلوی است که از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در ایران سلطنت می‌کرد.

۱۳. محمد اختریان. *نقش امیرعباس هویدا در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران: بهمن ۴۳ - مرداد ۵۶*. تهران، علمی، ۱۳۷۵. صص ۱۴-۱۸.

۱۴. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: جواد منصوری. *بیست و پنج سال حاکمیت آمریکا بر ایران*. تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸. صص ۴۲-۶۳.



کشف چاپخانه زیرزمینی حزب توده به دست مأموران حکومت نظامی تهران؛ سرتیپ تیمور بختیار، سرهنگ محسن مبصر و سرهنگ مصطفی امجدی برای بازدید حضور دارند. [۷۳۳۵-۴ع]

بدین ترتیب با تمهید این مقدمات و مقاصد ریز و کلانی که آمریکا در ایران به دنبال آن بود تأسیس ساواک و به تبع آن تجهیز و راهبری آن توسط سیا و عوامل پیدا و پنهان آمریکا در ایران می‌توانست تأثیر شایان توجهی در موفقیت این اهداف داشته باشد. ضمن اینکه پس از تشکیل موفقیت‌آمیز ساواک آمریکاییها باز هم حیطة نفوذ و قدرت خود را در عرصه‌های مختلف ایران گسترش دادند.<sup>۱۵</sup>

هارالد ایرنبرگر که کتابی درباره ساواک به رشته تحریر درآورده است تأسیس ساواک را از پیامدهای کودتا برشمرده است و در این میان بالأخص آمریکاییها را از عوامل اصلی تشکیل ساواک معرفی می‌کند که امیدوار بودند با قدرت و اعتباربخشی به منافع ریز و درشتشان در ایران از تجاوز مصون بمانند. او که ساواک را «دوست شکنجه‌گر غرب» لقب داده است، نقش سیا در زمینه‌چینی برای تأسیس ساواک را بی‌بدیل ارزیابی می‌کند.<sup>۱۶</sup>

۱۵. همان، صص ۱۵۵-۱۶۱.

۱۶. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: *خوانندنیها*، س ۳۹، ش ۳۴، شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۸. صص ۲۸-۲۹ و ۵۸-۶۰.

## پیمان بغداد پیامد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

آگاهان به امور در آن روزگار و نیز پژوهشگران و محققان به درستی عضویت ایران در پیمان بغداد را از پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برشمرده‌اند. این پیمان در راستای اهداف بلندمدت سیاسی و استراتژیک آمریکا در منطقه شکل گرفت و دولت ایران در دوران نخست‌وزیری حسین علاء بدان پیوست و آمریکا نیز به‌گونه‌ای غیررسمی در آن مشارکت داشت. هر چند اهداف ظاهری این پیمان بیشتر به همکاری‌های اقتصادی و تجاری و فنی معطوف بود اما آمریکاییها و انگلیسی‌ها بیش از هر چیز مقصود نظامی و سیاسی را از عقد آن دنبال می‌کردند.

چهار کشور عضو رسمی پیمان بغداد (ایران، عراق، پاکستان و ترکیه)، با حضور انگلستان کمربندی امنیتی تشکیل می‌دادند که به تبع آن بالأخص آمریکا امکان بیشتری برای مراقبت و کنترل اطلاعاتی - امنیتی رقیب قدرتمندش، شوروی، پیدا می‌کرد. پیمان بغداد که پس از خروج عراق از آن در سال ۱۳۳۷ش / ۱۹۵۸م به پیمان سنتو تغییر نام یافت تا جایی که به ایران مربوط می‌شد از پیامدهای مستقیم کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که خود مقدمه‌ای برای تشکیل ساواک در مدت کوتاهی پس از آن شد. بدین ترتیب آمریکاییها قادر می‌شدند با ایجاد پیوندهایی میان سرویس‌های اطلاعاتی - امنیتی سه کشور عضو پیمان سنتو که تحت نظارت عالیه سیا فعالیت می‌کردند، فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی و جاسوسی خود را در سراسر قلمروها و مرزهای جنوبی شوروی تحکیم کنند. از یاد نبریم که ایران و دیگر کشورهای عضو سنتو در استراتژیک‌ترین حوزه‌های جغرافیایی شوروی، با آن کشور همجواری داشتند.<sup>۱۷</sup>

در همان زمان برخی از رجال کشور از عواقب سوئی که ممکن بود این پیمان برای ایران در پی داشته باشد اظهار نگرانی می‌کردند و معتقد بودند جبهه‌گیری در برابر شوروی قدرتمند، همسایه بلافصل ایران، متضمن هیچ‌گونه سودی برای کشور نیست. اما از آنجایی که این پیمان نه در حیطة تصمیم‌سازی رهبران کشور بلکه در چارچوب استراتژی آمریکا صورت عملی به خود می‌گرفت، هیچ‌گاه توجهی جدی به اینگونه آسیب‌شناسی‌های دلسوزانه

۱۷. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد بنگرید به: بهرام افراسیابی، *ایران و تاریخ*، ج ۲، تهران، نشر علم، ۱۳۶۹.

نشود.<sup>۱۸</sup> ضمن اینکه علاوه بر مخالفت‌هایی از این نوع افراد و گروه‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی کشور نیز با پیوستن به پیمان بغداد (سنتو) مخالف بودند. اما حکومت با تکیه بر پشتیبانی‌های آمریکاییها تقریباً تمامی مخالفتها را سرکوب کرد. ترور نافرجام حسین علاء از سوی فداییان اسلام در راستای مخالفت این گروه با پیمان بغداد صورت گرفت.<sup>۱۹</sup> عبدالرضا هوشنگ مهدوی درباره مخالفت شوروی با انعقاد پیمان بغداد و پیوستن ایران به آن پیمان و هدفی که آمریکاییها از این قرارداد دنبال می‌کردند، چنین می‌نویسد:

شوروی که پس از مرگ استالین سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز را پیش گرفته بود، از انعقاد پیمان بغداد و عضویت ایران در آن به شدت ناراحت شد و سه یادداشت اعتراض‌آمیز پی‌درپی فرستاد. مولوتوف وزیر امور خارجه شوروی در یادداشتی که در ۱۹ مهرماه ۱۳۳۴ در آستانه الحاق به پیمان بغداد به کاردار ایران در مسکو تسلیم کرد، نوشته بود: «از اخبار مندرجه در مطبوعات بر دولت شوروی مسلم شد که دولت ایران تصمیم گرفته است به اتحاد نظامی ترکیه - عراق - پاکستان معروف به پکت بغداد که در آن انگلیس هم شرکت دارد ملحق شود. دولت شوروی راجع به این مسئله اطلاعی از دولت ایران دریافت نداشته است ولی نمی‌تواند اهمیت به اخبار ندهد. شوروی لازم می‌داند به همین مناسبت مراتب زیر را اعلام دارد: معنی انعقاد پیمان بغداد عبارت است از دسته‌بندی در خاورمیانه و نزدیک که آلتی است در دست محافل متجاوز معینی که علاقه‌ای به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی ندارند. اصرار در انعقاد چنین دسته‌بندی در عین حال به منظور حفظ و استقرار مجدد تسلط در کشورهای این منطقه می‌باشد. ملحق شدن ایران به این دسته‌بندی نظامی با علاقه به تحکیم صلح و امنیت در خاورمیانه و نزدیک سازگار نبوده و با رابطه حسن همجواری ایران با اتحاد جماهیر شوروی و تعهدات معلومه قراردادی ایران متناقض می‌باشد.»<sup>۲۰</sup>

پیش از پیمان بغداد دو کشور ترکیه و عراق در فوریه ۱۹۵۵/ اسفند ۱۳۳۳ پیمانی مشترک امضا کرده بودند که پیمان همکاری متقابل نام داشت. در فروردین ۱۳۳۴ انگلستان هم به آن پیمان ملحق شد. در اردیبهشت همان سال پاکستان به عضویت آن پذیرفته شد و در نهایت دولت ایران در ۱۹ مهر ۱۳۳۴ به آن پیمان پیوست. تا فروردین

۱۸. مصطفی الموتی، همان، صص ۵۸-۶۰.

۱۹. همان، ص ۶۰.

۲۰. همان، ص ۶۱.



۱۳۵۸ ایران عضو پیمان سنتو باقی ماند.<sup>۲۱</sup>

فریدون سنجر که سالها در هیئت نمایندگی ایران در سنتو حضور داشت تصریح می‌کند که آن پیمان در بردارنده هیچ‌گونه سودی برای ایران نبود و اساساً مصوبات و طرحهای در دست اجرای آن منافی استقلال سیاسی و نظامی کشور بود و در موضوع دفاع مشترک در برابر حملات شوروی هم توجه چندانی به تمامیت ارضی ایران نشده بود. وی که پس از سالها خدمت در این پیمان به نتایج مستندی مبنی بر نادیده گرفتن منافع ایران در آن پیمان دست یافته بود، در این باره چنین نوشته است :

...خلاصه کلام از روزی که اینجانب به مسائل پیمان بغداد ( سنتو ) آشنا شدم برای من مسجل شد که این پیمان یک سازمان سیاسی تبلیغاتی است و تمام تلاش آن در راستای حفظ منابع نفتی و دفاع از منافع اقتصادی آمریکا و یارانش در خاورمیانه است و به همین دلیل هم آنها ترجیح می‌دادند که دفاع اصلی روی رشته جبال زاگرس انجام شود نه البرز.

برای اثبات این مدعا که پیمان بغداد از نظر حفظ تمامیت ارضی و دفاع از استقلال و آزادی کشور ما مأموریتی نداشت و هدف آن حفظ منابع نفتی خاورمیانه در مقابل تجاوز شوروی بود دلائل زیادی وجود دارد که یکی از آنها همین اصرار ورزیدن در انتخاب خط دفاعی زاگرس بود و دلیل دیگر را می‌توان انتخاب موقعیت استراتژیک پایگاههای نیروی هوایی، که به وسیله مستشاران آمریکایی طرح‌ریزی شد، عنوان کرد. پایگاههایی که در زمان بروز جنگ احتمالی، صددرصد به وسیله آمریکاییها اشغال می‌شد؛ مثل پایگاه دزفول، بوشهر، بندرعباس، امیدیه، و چاه‌بهار که همه آنها پشت خط زاگرس انتخاب شده بود.

دلیل دیگری که بر این مدعا وجود دارد انجام مانور مشترکی به نام مانور ( دلاور ) بود که اگر اشتباه نکرده باشم در فروردین سال ۱۳۴۳ با شرکت نیروهای هوایی و زمینی ایران و نیروهای هوایی و هوایرد آمریکا در منطقه دزفول انجام شد که مأموریت آن رسانیدن کمک به نیروهایی از ایران بود که روی خط دفاعی (زاگرس) دفاع می‌کردند....

اگر ما طرح مانور (دلاور) را مورد بررسی قرار دهیم به خوبی روشن می‌گردد که هدف آن هدف پیمان سنتو بود. یعنی دفاع منابع نفتی واقع در پشت ارتفاعات

---

۲۱. پیتر آوری. تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا اصلاحات ارضی. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۸. ج ۳، صص ۸۷-۸۹ تا ۸۹-۹۰ [پیوست کتاب].



اجلاس پیمان بغداد در کشور عراق با حضور نمایندگان ایران، ترکیه، پاکستان، عراق، آمریکا و انگلیس [۱۸۰۹-۱۲۴ط]

زاگرس، نه حفظ تمامیت ارضی و دفاع از سرزمین ایران. برای پایه‌گذاران پیمان سنتو از دست رفتن دوسوم خاک ایران مسئله‌ای ایجاد نمی‌کرد بلکه آنچه برای آنها ایجاد مسئله می‌کرد تهدید منابع نفتی خاورمیانه بود. آنها این‌طور طرح‌ریزی کرده بودند که اگر ایران قصد دارد در مقابل شوروی روی خط دفاعی البرز دفاع کند نباید منتظر دریافت کمک از طرف متفقین خود باشد بلکه باید به صورت عملیات تأخیری مرحله به مرحله در مقابل نیروهای ایرانی احتمالاً می‌توانستند به کمک‌های آمریکا و متفقینش متکی شوند آن هم به شرط اینکه در آن مقطع زمانی بین دو ابرقدرت ساخت و پاختهای سیاسی نشده باشد و الا برای آمریکا و یارانش از دست رفتن دو سوم خاک ایران و افتادن آن به دست روسها هیچ اهمیتی نداشت و اگر لازم می‌شد تمام قسمت شمالی ایران را دو دستی تقدیم شورویها می‌کردند مشروط بر اینکه پا را از خط زاگرس فراتر نهند و به منابع نفتی آنها در ایران و عراق و عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس کاری نداشته باشند حالا بر سر این ملت محروم مظلوم چه می‌آمد به آنها مربوط نبود.

خلاصه کلام به نظر اینجانب تمام دعواها بر سر لحاف ملا نصرالدین بود. به عبارتی دیگر مأموریت اصلی پیمان سنتو دفاع از منابع نفتی خاورمیانه بود نه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران. ایرانی که یکی از اعضا فعال پیمان سنتو بود. به این ترتیب می‌بینیم که استقلال و امنیت کشور ایران در قاموس پیمان سنتو و نظایر آن محلی از اعراب نداشت بالنتیجه این پیمان برای کشور ما جز ضرر هیچ ثمری نمی‌توانست داشته باشد جز اینکه همه ساله مبالغ گزافی صرف هزینه عضویت در چنین پیمانی می‌شد که بر دوش این ملت مظلوم سنگینی می‌کرد...<sup>۲۲</sup>

بدین ترتیب پیمان سنتو متضمن حفظ منافع کشورهای کوچک عضو در منطقه نبود بلکه هدف آن دفاع از موقعیت سیاسی و نظامی، امنیتی و اقتصادی آمریکا و غرب در برابر شوروی و نفوذ در قلمروهای جنوبی آن کشور بود. آمریکاییها بر آن بودند با این پیمان نفوذ شوروی و کمونیسم را به سوی کشورهای حاشیه جنوبی آن کشور سد کنند.<sup>۲۳</sup> و هرگاه در نظر داشته باشیم که یکی از دلایل اصلی تأسیس ساواک مبارزه با نفوذ کمونیسم و حزب توده در ایران بود، آنگاه نقش مقدماتی پیمان سنتو در تأسیس ساواک

۲۲. فریدون سنجر. حاصل چهل سال خدمت: ۱۳۱۶-۱۳۵۵ (خاطراتی مجمل از پاره‌ای ناهنجاریهای تلخ در گذشته نیروی هوایی). تهران، پروین، ۱۳۷۰. صص ۱۸۰-۱۸۵.

۲۳. بیژن جزنی. تاریخ سی ساله ایران، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۷. ج ۲، صص ۶۸-۷۰.

بیشتر آشکار می شود. ضمن اینکه سیا با همکاری ساواک در سراسر مرزهای شمالی ایران با شوروی اقدامات جاسوسی - اطلاعاتی گسترده‌ای را علیه شوروی به معرض اجرا می گذاشت.<sup>۲۴</sup> جهانگیر تفضلی در خاطرات خود به گوشه‌هایی از دلایل پیوستن ایران به پیمان سنتو چنین اشاره کرده است:

پس از آنکه علا در اصفه‌م فروردین سی و چهارم فرمان نخست‌وزیری گرفت و هنوز نام وزیرانی که برایش تعیین شده بود نمی دانست، برای یک عمل جراحی به اروپا رفت. در یکی از همین روزهایی که به حضور شاه رفته بودم، شاه مطالبی فرمود که خلاصه آن این است که: «ما در جنگ اول و دوم جهانی از بیطرفی زیان دیده‌ایم و اگر ما وارد پیمان بغداد شویم آمریکاییها هم به ما خواهند پیوست و خطر کمونیسم در ایران از میان خواهد رفت.» این جمله آخر در پاسخ به عرایض مخلص بود که خلاصه‌اش این است که: تصور نمی فرمایند رنجش شدید روسها گرفتاریهایی داشته باشد؟ شاه به سخنان خود افزود: «شما این سخنان را به رفقای پولیت بورو فعلاً نگوید؛ اما در روزنامه خودتان زیانهای بیطرفی را بنویسید. و دو سه مقاله هم برای روزنامه‌های عصر، در این باره بنویسید، و به نصیری بدهید که به آنها بدهد.»

در اینجا شایسته یادآوری است که من خیال می‌کنم که شاه این سخنان را برای دیگران، و دست‌کم برای چند وکیل مجلس هم فرموده باشد، اما هنوز به عبدالله انتظام و امینی نفرموده بود، یا دست‌کم به نظر مخلص چنین می‌نمود.

مطالب ایران ما و دو سه روزنامه دیگر موجب آن شد که دوستان پولیت بورو از مخلص کم و بیش رنجیدند. زیرا می‌دانستند که چنان مطلبی در آن روزگار، در ایران ما، بدون نظر شاه بسیار بعید است.

این مطلب به زودی در مجلس هم بلندگوییانی یافت. شاه هم بعد از مقالات روزنامه‌ها به وزیر خارجه فرموده و سفارش کرد که در پولیت بورو هم در این باره بحث کنید. هنگامی که در مجلس و مطبوعات ایران، تقریباً پیوستن ایران به پیمان بغداد روشن شده بود، علاء، نخست‌وزیر، که برای یک عمل جراحی در بیمارستانی در پاریس بستری بود، در مصاحبه مطبوعاتی - که به وسیله خبرنگارهای مهم جهان پخش شده بود - پیوستن ایران به یک پیمان نظامی و رها کردن سیاست بیطرفی را غیرممکن خوانده بود.<sup>۲۵</sup>

۲۴. همان، ص ۱۸۵.

۲۵. جهانگیر تفضلی. خاطرات جهانگیر تفضلی. به کوشش یعقوب توکلی. تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

به‌رغم مخالفت‌های آشکاری که مردم ایران با پیوستن به پیمان بغداد داشتند، اما شاه که تحت القائلات آمریکاییها تصور می‌کرد هرگاه از این اقدام اجتناب ورزد به زودی از سوی شوروی مورد هجوم قرار گرفته سراسر کشور را کمونیسم فراخواهد گرفت اشتیاق کم‌نظیری به عضویت در این پیمان نشان داد.<sup>۲۶</sup> حسین فردوست تأکید دارد که پیوستن ایران به پیمان سنتو متضمن سود چندانی برای کشور نبود و صرفاً حربه‌ای هرچند کمتر کارآمد در دست آمریکا بود تا از طریق آن در برابر رقیب قدرتمندش روسیه شوروی مانور بدهد. فردوست معتقد است که این پیمان به سبب عضویت آمریکا و انگلیس در آن به نوعی دنباله ناتو در خاورمیانه به‌شمار می‌رفت.<sup>۲۷</sup> بدین ترتیب آمریکاییها چنانکه دلخواهشان بود از این پیمان برای مقاصد مختلف بهره می‌بردند و چندان برایشان اهمیتی نداشت که کشورهای منطقه‌ای عضو پیمان سنتو در برابر تهدیدات شوروی تا چه اندازه از قدرت دفاعی برخوردار هستند. از جمله این اهداف ایجاد کمربندی امنیتی - اطلاعاتی و جاسوسی طولانی در سراسر مرزهای جنوبی شوروی در خاورمیانه بود که سازمان سیا را قادر می‌ساخت با بهره‌گیری از یاری دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی کشورهای عضو سراسر مرزهای جنوبی شوروی در شمال خاورمیانه، اقیانوس هند و مناطق شرقی اروپا را تحت کنترل و مراقبت جاسوسی قرار دهد.<sup>۲۸</sup>

بدین ترتیب در شهریور ۱۳۳۴ دولت علاء موافقت خود را با پیوستن به پیمان بغداد اعلام کرد و در مهرماه همان سال هم مجلسین شورای ملی و سنا لایحه پیمان بغداد را مورد تصویب و تأیید قرار داده و موافقت خود را با پیوستن ایران به آن پیمان اعلام کردند (۲۷ مهر ۱۳۳۴).<sup>۲۹</sup>

صص ۱۳۴-۱۳۵.

۲۶. محمد اختریان، همان، صص ۲۰-۲۱.

۲۷. حسین فردوست، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست*، ج ۳، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۵۳۳-۵۳۷.

۲۸. علی‌رضا ازغندی، *روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده: ۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، تهران، قومس، ۱۳۷۶، صص ۳۷۴-۳۸۳؛ حمیدرضا ملک‌محمدی، *از توسعه لرزان تا سقوط شتابان: توسعه اقتصادی - نظامی و بی‌ثباتی سیاسی رژیم پهلوی دوم (۱۳۴۷-۱۳۵۷)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۹-۱۶۲.

۲۹. محمدعلی سفری، *قلم و سیاست: از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور*، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۷، ج ۲، صص ۲۲۲-۲۲۴؛ عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی: ۱۳۰۰-۱۳۵۷*، تهران، البرز، ۱۳۷۳، صص ۲۳۳-۲۳۶.

با پیوستن به پیمان بغداد ایران رسماً در مدار کشورهای غرب قرار گرفت و به تبع آن مجموعه تحولات و اقداماتی که در کشور صورت گرفت اساساً در راستای همین هدف تعریف و تبیین شده با غرب به‌ویژه آمریکا بود. از آن پس هر آنچه در کشور رخ می‌داد نیازمند تأیید غرب و آمریکا بود. دیگر ایران کشوری مستقل و قائم بالذات تصور نمی‌شد که مستقلاً برای امنیت ملی و سیاستهای ریز و کلان خود تصمیم‌گیری نماید. شاه به متحدی استراتژیک و در عین حال مطیع برای آمریکا تبدیل شده بود که در سیاستهای جهانی و منطقه‌ای آمریکا جایگاهی مهم و تعیین‌کننده داشت و بنابراین سیاستگذاران آن کشور برای حفظ تحکیم موقعیت خود در ایران از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. بدین ترتیب طرح تشکیل ساواک هم دقیقاً در چارچوب همین سیاستهای منطقه‌ای و جهانی آمریکا قابل بررسی و تحلیل است. ضمن اینکه پیمان دوجانبه دفاعی آمریکا با ایران که حدود سه سالی پس از انعقاد پیمان بغداد و در سال ۱۳۳۷ به امضای طرفین رسید در چارچوب همین سیاست کلی آن کشور در خاورمیانه و ایران صورت عملی به خود می‌گرفت.<sup>۳۰</sup> شاه حداقل پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پذیرفته بود که در مدار کشورهای وابسته به غرب و به‌ویژه آمریکا جای گیرد و به تبع آن آمریکاییها نیز با نوساناتی چند دریافتند که با حفظ و تحکیم موقعیت شاه در رأس حکومت بیش از پیش منافع سیاسی، اقتصادی و ... خود را در ایران و به تبع آن در منطقه خاورمیانه تحکیم و تثبیت کنند.

در همان حال چنانچه در مباحث آتی خواهیم دید هدف از تشکیل ساواک البته دفاع از حقوق اساسی مردم کشور و تقویت نهادهای دموکراتیک سیاسی و اجتماعی نبود. فعالیت ساواک فقط در تقویت و تثبیت قدرت استبدادی و مبارزه آن با هرگونه مخالفت داخلی سازمان داده شد و بخش اطلاعات خارجی و ضد جاسوسی آن نیز در راستای همان دسته‌بندیهای جهانی و منطقه‌ای دو قطب غرب و شرق ظهور و بروز یافت.<sup>۳۱</sup>

## نقش سیا و آمریکا در تشکیل ساواک

ساواک اساساً در پاسخ به هیچ نیاز مغفول مانده کشور پدید نیامد. عملکرد آتی ساواک

۳۰. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: عبدالرضا هوشنگ‌مه‌دوی، همان، صص ۲۶۵-۲۷۰.

۳۱. همان.



هم نشان داد که هدف عمده آن تقویت بنیانی نهادهای مدنی، سیاسی، اطلاعاتی - امنیتی کشور نبوده است و اصولاً هم طرح تشکیل ساواک ابتکاری از سوی دولتمردان و هیات حاکمه کشور نبود. مطلعین تصریح دارند که فکر تأسیس سازمانی با عنوان و کارکرد ساواک از سوی آمریکاییها قوت گرفت و به حیثه عمل درآمد. حسین فردوست تشکیل ساواک را به سیا و آمریکاییها نسبت می‌دهد و معتقد است این سازمان در راستای توسعه شبکه‌های اطلاعاتی - امنیتی منطقه‌ای سیا شکل عملی به خود می‌گرفت.<sup>۳۲</sup>

محمدحسین هیکل روزنامه‌نگار شناخته شده مصری هم که کتابی درباره انقلاب ایران و ریشه‌های آن نوشته است، با برشمردن علایق و خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک آمریکا در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تشکیل ساواک را مؤثرترین اقدام آمریکا و سیا ارزیابی می‌کند که برای تقویت علایق و منافع آنی و بلندمدت آن کشور در این منطقه از جهان احساس نیاز می‌شد. او ساواک را «بیش و کم شاخه‌ای از سیا به‌شمار آورده است که عمده فعالیت‌های آن در راستای اهداف آمریکاییها شکل گرفت و هدایت شد.»<sup>۳۳</sup>

برخی دیگر از پژوهشگران به درستی تحلیل کرده‌اند که بخشی از اهداف آمریکا و سیا در تأسیس ساواک به طرح آن کشور برای ریشه‌کن‌سازی کمونیسم و گروه‌های چپ در ایران معطوف بود تا با این تشکیلات جدید بر مشکلات احتمالی که گمان می‌رفت از ناحیه این گروه‌ها بر منافع آمریکا در ایران وارد شود، جلوگیری کند و در همان حال موقعیت سیاسی شاه را در رأس هرم قدرت در ایران از طریق آن تضمین کند<sup>۳۴</sup> و علاوه بر گروه‌های چپ، دیگر مخالفان سیاسی، مذهبی او را نیز منزوی و سرکوب کند.<sup>۳۵</sup>

برخی پژوهشگران تأکید می‌کنند که ساواک بازوی اجرایی سیا در ایران به‌شمار می‌رفت و هر آنچه مد روز سیاست آمریکا و سیا در ایران بود از طریق این سازمان اجرا می‌شد و بدین ترتیب طرح تشکیل ساواک از سوی سیا نیز صرفاً در چارچوب همین استراتژی قابل ارزیابی است :

۳۲. حسین فردوست، همان، ص ۲۸۹.

۳۳. محمدحسین هیکل، *ایران؛ روایتی که ناگفته ماند*. ترجمه حمید احمدی. ج ۴. تهران، الهام، ۱۳۶۶. صص ۱۲۶-۱۲۸.

۳۴. ب. کیا، *ارتش تاریکی*. تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶. صص ۶۵-۶۸.

۳۵. شمس‌الاحمد، همان، صص ۸۷-۹۲.



به این جهت کشور ایران که تا جنگ جهانی دوم برای آمریکا اهمیت سیاسی داشت (و می‌توانست با افغانستان و پاکستان و عراق و ترکیه، حلقه‌های زنجیر کمربندی جنوب روسیه، رقیب آمریکا، - معروف به کمربند سبز - تشکیل دهد)، پس از کودتای زاهدی، برای آمریکا اهمیت اقتصادی هم پیدا کرد. و طبیعی است که سیاست خارجی آمریکا در ارتباط با ایران، ناظر باشد به تأمین مستمر و بی‌وقفه این دو نوع منافع. اما این سیاست خارجی، هر چند در درازمدت راستای واحدی داشته است، اما به جهت تلون طبایع دوگانه دولتمردان آمریکا، گاهی منسوب به حزب دموکرات (انگار شغال) و گاهی منسوب به حزب جمهوریخواه (پنداری سگ زرد) در کوتاه‌مدت، یک‌زاگه‌هایی را طی کرده است. و سیاست خارجی واحد آمریکا را در ایران، با دو نوع تظاهر، گاهی به ظاهر متضاد، نمایان ساخته است. عامل اجرای سیاست خارجی آمریکا، در بیرون مرزها، سازمان مخوف «سیا» است. معلم و رهنموددهنده اصلی ساواک ایران. اما خود «سیا» به تبع کاخ سفیدنشینان (گاهی دموکرات گاهی جمهوریخواه) گاهی هویدهنده است و گاهی چماق‌زننده. و این چنین است که ساواک الزاماً باید سیابازی کند.<sup>۳۶</sup>

قرینه دیگری که محققان را به نقش سیا در تشکیل و راهبری ساواک هدایت می‌کند عملکرد بعدی آن است که همزمان با چرخش و تغییر و تحولاتی که در سیاستهای دولتهای احزاب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا بروز می‌کرد و به تبع آن سیاستگذاری و نگرش آن کشور در مناطقی نظیر ایران دچار دگرگونیهای مشابهی می‌شد، در نوع عملکرد ساواک هم که اقدامات و فعالیتهای آن تابعی از سیاستها و خواسته‌های سیا بود، تغییراتی همسوز رخ می‌داد. چنانکه وقتی دموکراتها سیاست ویژه‌ای را پیش روی دولتمردان پهلوی قرار می‌دادند، به تبع آن رفتار ساواک نسبت به مخالفان و سایر وظایفی که برعهده داشت در چارچوب همان طرحهای اعلام شده شکل می‌گرفت و زمانی که جمهوریخواهان اعمال سیاستهای خشن‌تری را به شاه توصیه می‌کردند، همزمان با آن سیا هم ساواک را به همان مسیر سوق می‌داد. بدین ترتیب:

اما این سلايق دوگانه در اعمال سياست يگانه جهانخواري آمريكا، بايد به دست «سيا» اجرا شود. و «سيا» در هر كشوري از جهان، ايايي بومي خود را دارد. سازمانهاي وابسته به «سيا» اما با اسامي منطقه‌اي چنانكه موساد (در اسرائيل) و ساواک (در

ایران). و هر کدام از این سازمانهای منطقه‌ای، نگاه می‌کنند به دست استاد. یعنی که سیا. و سیا با شیوه‌ای دوگانه اعمال نظر و نفوذ می‌کند. گاهی به سلیقه دموکراتها که به ظاهر نرمخو هستند و طرفدار اعمال «هویج» و گاهی به ذوق جمهور یخوآهان که جانبدار درشت‌خویی هستند و اعمال «چماق».<sup>۳۷</sup>

احمد فاروقی و ژان لوروریه که فصلی از کتاب مشترکشان *ایران بر ضد شاه* را به ساواک اختصاص داده‌اند و از آن تحت عنوان «چشم و گوش شاه» نام می‌برند، تصریح می‌کنند که: «این سازمان پلیسی - اطلاعاتی اساساً تابعی از دستگاه اطلاعاتی آمریکا، سیا، بود و بر آن بود تا از طریق این سازمان جدید اهداف اطلاعاتی و امنیتی و سیاسی خود در ایران و سایر کشورهای منطقه را تسهیل بخشد.<sup>۳۸</sup>» جان. دی. استمپل کارمند بخش سیاسی - اطلاعاتی سفارت آمریکا در تهران هم دیدگاهی مشابه درباره نقش سیا در تشکیل و تجهیز ساواک دارد و تأکید می‌کند که: «سازمان امنیت و اطلاعات کشور [ساواک] ... آمیزه‌ای از اف. بی. آی [F.B.I] و سی. آی. ای (C.I.A) آمریکا بود.<sup>۳۹</sup>»

منصور رفیع‌زاده آخرین نماینده ساواک در آمریکا هم در جای‌جای کتابش تصریح دارد که آمریکاییها و سیا در تشکیل ساواک و هدایت و راهبری آن نقش کلیدی برعهده داشتند و به‌طور تلویحی اشاره می‌کند که بسیاری از فعالیتها و اقدامات داخلی و خارجی ساواک در طول ۲۲ سال حضور آن در عرصه کشور با کمکهای سیا صورت عملی به خود گرفت.<sup>۴۰</sup> مینو صمیمی هم در خاطرات خود می‌نویسد: «شاه در سال ۱۹۵۷ [۱۹] به کمک مالی و فنی آمریکاییها ساواک را پایه‌گذاری کرد و آن را ... به عنوان حربه اصلی خود برای سرکوبهای سیاسی در ایران به کار گرفت.<sup>۴۱</sup>» و پژوهشگری دیگر به درستی خاطر نشان می‌کند که: «مبتکر ساواک آلن دالس رئیس وقت سازمان سیا بود و تأسیس ساواک را یکی از شاهکارهای پلیسی خود می‌دانست.»<sup>۴۲</sup> بدین ترتیب آشکار است که تشکیل ساواک

۳۷. همان، ص ۹۷.

۳۸. احمد فاروقی و ژان لوروریه. *ایران بر ضد شاه*. ترجمه مهدی نراقی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸. صص ۱۴۱-۱۴۶.

۳۹. جان. دی. استمپل. *درون انقلاب ایران*. ترجمه منوچهر شجاعی. تهران، رسا و نگارش، ۱۳۷۷. صص ۱۹-۲۰.

۴۰. *ساواک عامل وحشت*. تهران، جهان کتاب، ۱۳۷۹. ج ۳، صص ۸۵-۸۸ و ۸۹-۹۸.

۴۱. مینو صمیمی. *پشت پرده تخت طاووس*. ج ۲. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران، اطلاعات، ۱۳۶۹. ص ۳۸؛ مازیار

بهرز. *شورشیان آرمان‌خواه: ناکامی چپ در ایران*. ترجمه مهدی پرتوی. تهران، ققنوس، ۱۳۸۰. ص ۲۸۷.

۴۲. اسکندر دلد. *اسرار زندان اوین* (ساواک در بازیه‌های آسیایی، اعترافات جلال توانگری، فعالیت ساواک علیه اقلیتهای



تیمور بختیار و اسدالله رشیدیان دو تن از عوامل کودتا در حاشیه یک میهمانی [۱۲۶۶۳-۴۳ع]

نه به عنوان پاسخ به نیازی داخلی مطرح شد و نه اینکه دولتمردان و حکومت پهلوی مبتکر آن بود و هرگاه در آن مقطع تاریخی آمریکاییها وجود چنین تشکیلاتی را ضروری تشخیص نمی‌دادند چه بسا تشکیل این سازمان تا سالها بعد به تعویق می‌افتاد و یا هیچ‌گاه تأسیس نمی‌شد.<sup>۴۳</sup>

ویلیام سالیوان آخرین سفیر آمریکا در تهران هم بر این نکته تأکید دارد که تشکیل

نژادی، آرش، پرتاب گوجه‌فرنگی به صورت شاه سابق، اختلاف بختیار با شاه سابق). تهران، بهروز، بی‌تا، ص ۱۲؛ تقی نجاری‌راد، همان، صص ۴۶-۴۹؛ سعیده لطفیان، *ارتش و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰. صص ۱۰۶-۱۱۴.

۴۳. بهرام افراسیابی، همان، صص ۴۳-۵۰؛ جواد منصور، *تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد*، همان، ج ۱، صص ۴۱-۴۵؛ تقی نجاری‌راد، همان، صص ۴۱-۴۵.

ساواک از ابتکارات سیا بود و همین سازمان بود که طرح تشکیلاتی و چگونگی تأسیس و فعالیت ساواک را در اختیار حکومتگران ایران قرار داد. به اعتراف سالیوان: «در سال ۱۹۵۷ سازمان سیا طرح و چارچوب تشکیلاتی یک سازمان جدید اطلاعاتی را به شاه داد و خود در تأسیس و سازمان دادن آن مشارکت کرد. این تشکیلات که به نام سازمان امنیت و اطلاعات کشور نامیده می‌شد به زودی به نام مخفف آن یعنی ساواک شهرت یافت.<sup>۴۴</sup>» سالیوان اضافه می‌کند که تمام اطلاعات خود پیرامون تشکیلات و نحوه فعالیت ساواک در ایران و سایر نقاط جهان را مدیون سیا است که قبل از ورودش به ایران (به عنوان سفیر) مأموران آن سازمان در اختیار وی قرار داده بودند.<sup>۴۵</sup>

## دلایل داخلی تشکیل ساواک

در واقع دلایل داخلی تشکیل ساواک از علل و دلایل خارجی شکل‌گیری این سازمان قابل تفکیک و متمایز نیست. مجموعه علل و عواملی که در آن روزگار بر شکل‌گیری سیاست و رویکرد خارجی حکومت اثرگذار بود، با سلسله تحولات سیاسی - اجتماعی داخلی پیوندی نزدیک داشت. از آنجایی که امنیت ملی و رویکرد کلی سیاست داخلی و خارجی کشور در راستای اهداف و استراتژی منطقه‌ای و جهانی غرب (و در واقع آمریکا) در حال شکل‌گیری بود، تشکیل نهادها و سازمانهایی نظیر ساواک نیز نمی‌توانست جدای از این مجموعه تحولات صورت عملی به خود بگیرد.

هرگاه در نظر داشته باشیم که دقیقاً پس از کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ افراد و گروههای سیاسی و مذهبی پرشماری در برابر حکومت کودتا موضع‌گیری کردند، آن‌گاه درمی‌یابیم که سرکوبی و از میان برداشتن این گروههای پرشمار مخالف فقط در راستای تحکیم موقعیت حکومت رخ نمی‌داد که تصور شود ساواک و نقش آتی آن در سرکوب مخالفان صرفاً موضوعی داخلی بوده است. به عبارت دیگر سرکوب و منزوی ساختن گروههای مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی کشور صرفاً خواسته محمدرضاشاه نبوده است بلکه حامیان خارجی او و در راس آنها آمریکا نیز برای حفظ، تداوم و تحکیم موقعیتش در عرصه‌های مختلف کشور سخت‌خوار از میان برداشتن

۴۴. ویلیام سالیوان. *مأموریت در ایران*. ترجمه محمود مشرقی. تهران، هفته، ۱۳۶۱. ص ۶۹.

۴۵. همان، ص ۷۱.

این گونه مخالفتها بودند. به ویژه این که دیگر آشکار شده بود رژیم پس از کودتا در حد یک دست‌نشانده آمریکاییها ظاهر شده است و در نهایت نیز روند وابستگی آن به آمریکا در سطوح مختلف گسترش انکارناپذیری یافت. ضمن اینکه هرگاه بپذیریم آمریکاییها و سیا در طرح و تشکیل ساواک نقشی کلیدی برعهده داشته‌اند بنابراین تعریف و تعیین گستره وظایف آن در حوزه داخلی و سرکوب مخالفان پرشمار رژیم نیز تا حد زیادی از سوی سیا صورت عملی به خود گرفته است. بی‌مورد نبود که برخی از محققان و آگاهان به امور در همان روزگار تصریح می‌کرده‌اند که ساواک به‌گونه‌ای عمل می‌کند که گویا شاخه و زیرمجموعه‌ای از سیا بوده است.

منابع موجود به گوشه‌هایی از علل داخلی ضرورت یافتن و طرح تشکیل ساواک چنین

اشاره کرده‌اند:

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد، نقش اساسی ارتش این بود که شورشهای دامنه‌داری مثل شورش کردهای جوانرود و یا قشقاییهای فارس را سرکوب کند و هر مخالفی را سر جای خود بنشانند. با افزایش این اقدامات در گوشه و کنار کشور، مقامات مملکتی به این نتیجه رسیدند که اعمال ضد شورشگری باید به وسیله سازمان دیگری که وابسته به ارتش باشد انجام گیرد. در آن سالها، سرویسهای اطلاعاتی موجود در ایران مثل اداره کل آگاهی شهربانی و رکن دوم ستاد ارتش مورد تجدیدنظر و بازسازی قرار گرفت. تا آن وقت اداره آگاهی تحت نظر شهربانی و اداره رکن دوم تحت پوشش ارتش بود. اما در این زمان (۱۳۳۵) اداره‌ای تحت عنوان سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) تأسیس شد که سازماندهی، اداره و تربیت کارمندان آن به آژانس مرکزی اطلاعات (سیا) سپرده شد.<sup>۴۶</sup>

منوچهر هاشمی آخرین مدیر کل اداره هشتم ساواک (ضد جاسوسی) که پس از سقوط رژیم پهلوی کتابی درباره کارنامه ساواک منتشر کرده است، با بر شمردن روند سرکوب مخالفان سیاسی رژیم پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از سوی فرمانداری نظامی، ضرورت تداوم یافتن سیاست سرکوب مخالفان در سالهای آتی حیات رژیم پهلوی را توسط سازمانی کارآمدتر، از دلایل مهم تشکیل ساواک برمی‌شمارد. در بخشهایی از اظهارات هاشمی چنین می‌خوانیم:

۴۶. منوچهر هاشمی. داوری: سخنی در کارنامه ساواک. لندن، ارس، ۱۳۷۳. صص ۹۶-۹۷.

اگرچه موفقیت و عملکرد فرمانداری نظامی تهران در تلاشی حزب توده و فداییان اسلام و قطع بسیاری از ارتباطات سازمانهای اطلاعاتی کشورهای بیگانه، مثل کی. جی. پی و عوامل داخلی آنها بسیار درخشان و چشمگیر بود و توانایی آن سازمان را در ایجاد امنیت و مراقبت از نفوذ و عملیات عوامل بیگانه نشان می‌داد، ولی نمی‌توانست برای همیشه دوام داشته باشد. زیرا وظیفه فرمانداری نظامی که در عرف سیاسی دنیا، به حکومت نظامی معروف است مربوط و محدود به دوره مشخصی است که طی آن نیروهای مخرب را قلع و قمع و با عوامل آشوبها و ناآرامیها مقابله بکند و پس از برقراری آرامش جای خود را به حکومت قانون و دولت قانون و داوری دستگاههای قضایی کشور بدهد. به علاوه استمرار حکومت نظامی در یک رژیم اسباب نارضایتی مردم و دلیل بی‌پایگاه بودن رژیم و اجبار تکیه آن به ارتش، ملاً اُرعاب مردم است که به حکومت چکمه و سر نیزه معروف است و با ادعای دموکراسی یا تظاهر به آن همخوانی ندارد.

در این رابطه ذکر این نکته نیز حائز اهمیت زیاد است که رودررویی ارتش که همواره در ایران یک نهاد محبوب و مورد احترام بوده است، با مردم، نه به صلاح مملکت بوده و نه به صلاح نظام و دولت. وظیفه ارتش حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و حراست از مرزهای آن است، نه درگیری با مردم. اگر شرایط آن روزی ایران ایجاب یک حکومت نظامی مقتدر و قاطع را می‌کرد، شرایط بعدی هم ایجاب انحلال فوری آن را می‌کرد، اما در اوضاع و احوال آن روزی ایران و خاورمیانه که مملکت و نظام کشور ما از هر سو مورد حملات شدید مخالفین خارجی و داخلی قرار گرفته و استقلال و تمامیت ارضی آن در معرض تهاجم بیگانگان بود، انحلال فرمانداری نظامی به مصلحت رژیم نبود، مگر این که سازمان دیگری وظایف امنیت داخلی و مراقبت از نفوذ عوامل بیگانه و مقابله با تحریکات آنها را به عهده می‌گرفت ...<sup>۴۷</sup>

منوچهر هاشمی با برشمردن خطرات متعددی که از ناحیه مخالفان داخلی رژیم پهلوی را تهدید می‌کرد و این خود نیازمند تأسیس سازمانی پلیسی - اطلاعاتی بود که بر این مخالفتها پایان داده از میانشان بردارد، تصریح می‌کند که آمریکاییها مدت‌ها قبل از تأسیس ساواک دست به سازماندهی و تجهیز مجدد واحدهای اطلاعاتی ارتش زده بودند و هنگامی که نتایج دلخواه از آن حاصل نشد، تشکیل سازمانی جدید را مورد توجه قرار

دادند که در هیئت ساواک ظهور و بروز یافت.<sup>۴۸</sup> به گفته او :

اما هیچ‌کدام از سازمانهای یاد شده، اعم از فرمانداری نظامی و واحدهای ضد اطلاعات در ارتش و شهربانی و ژاندارمری، واجد آن خصوصیات جامعی که یک سازمان اطلاعات و امنیت باید داشته باشد نبودند. فرمانداری نظامی بنا به ذات نظامی خود از جامعه فاصله داشت و خود را به عنوان یک قدرت فائقه برای مقابله با حرکت‌هایی که بر ضد نظام و رژیم برخاسته بودند یا احتمال به وجود آمدن آنها در آینده بود، شناسانده بود. در حالی که یک سازمان اطلاعاتی بنا به طبیعت کار و اصل پنهانکاری، می‌بایستی در یک چهارچوب جدا از هیاهو، و حتی به صورت نامرئی عمل می‌کرد، نه به صورت سازمان شناخته شده پرهیاهو. وظیفه ضد اطلاعات واحدهای نظامی و انتظامی هم محدود به حوزه کار خود بود، لذا با در نظر گرفتن تمام جوانب امر، تصمیم مقامات کشور، باز هم صلاحدید کارشناسان غربی، و عمدتاً آمریکا، بر آن شد که در ایران هم مانند تقریباً همه کشورهای پیشرفته دنیا، به منظور جمع‌آوری و تمرکز اطلاعات مورد نیاز کشور از لحاظ امنیت داخلی، و تأسیس واحد اطلاعات خارجی، و ضد جاسوسی در آن، سازمانی به وجود آید و کلیه فعالیتهای ذکر شده در آن سازمان متمرکز شود. با این قصد و نیت بود که سازمان اطلاعات و امنیت کشور در ماههای پایانی سال ۱۳۳۵ تولد یافت و مجوز تأسیس آن از تصویب مجلس شورای ملی گذشت.<sup>۴۹</sup>

آنچه مسلم بود و برخلاف نظری که برخی طرفداران سیاسی رژیم پهلوی ابراز کرده‌اند تشکیل ساواک گامی در جهت تحکیم و تقویت پایه‌های امنیت ملی و استقلال سیاسی کشور نبود و در این راستا مشابهتهای بسیاری با نظام پلیسی - امنیتی شهربانی دوره رضاشاه داشت که صرفاً برای تقویت پایه‌های نظام استبدادی و دلخواهانه او فعالیت می‌کرد و آنچه هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفت احترام و حمایت از حقوق اساسی ملت و تقویت پایه‌های نظام حکومت مشروطه بود.

بنابراین می‌شود گفت که به لحاظ داخلی ساواک سازمانی بود که اساساً برای رودررویی با مردم کشور از اقشار و گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی پا در عرصه وجود نهاد و هدف از تأسیس آن تقویت پایه‌های قدرت استبدادی حکومت بود

۴۸. همان، صص ۹۸-۹۹.

۴۹. همان.



که نشانه‌هایی آشکار از وابستگی‌های خارجی داشت، در برابر میلیون‌ها مردمی که از حقوق اساسی اجتماعی، سیاسی و فردی خود محروم شده بودند. به نوشته یکی از پژوهشگران: در تاریخ معاصر ایران نام سازمان امنیت همواره با ترس و وحشت باقی است. همان‌طور که در جای خود دیدیم رضاخان برای دوران استبداد خود نظام امنیتی خاصی داشت که محصول آن جنایات بسیار بود. هیئت حاکمه ایران بعد از شهریور ۲۰ باز هم در صدد بود چنان نظامی را برقرار سازد ولی مقابله و نهضت ملت این مجال را نمی‌داد و اینک کودتای ۲۸ مرداد این فرصت را به دست داده بود. فرمانداری نظامی مهم‌ترین رکن حکومت زاهدی بلافاصله بود و تیموربختیار تصدی آن را داشت و دو واحد اطلاعاتی (اطلاعات ارتش و کارآگاهی پلیس) را هم اداره می‌کرد و چون کودتا تحت نظر آمریکا انجام گرفته بود در همه مواضع قدرت آمریکا نقش داشت و از جمله مستشارانی برای امر اطلاعات به ایران فرستاد و با تجربیات کافی ساواک را سازمان‌دهی کردند. بر طبق قانون تشکیل سازمان امنیت اولاً ساواک بخشی از نخست‌وزیری است، رئیس از جانب شاه معین می‌شود و معاون نخست‌وزیر می‌باشد ولی در واقع قدرتی فوق دولت دارد. ثانیاً برای امنیت ملی است اما به تدریج امنیت ملی مفهوم وسیعی پیدا کرد و در پناه آن هر جنایتی از جانب ساواک مجاز گردید. ساواک ضابط دادرسی ارتش شد و اختیارات قضایی یافت و در حقیقت دستگاه قضایی وسیع ارتش وسیله‌ای برای تحکیم قدرت ساواک شد.<sup>۵۰</sup>

منصور رفیع‌زاده تصریح دارد که دلایل داخلی تشکیل ساواک تابعی از طرح‌های بلندمدت سیا و آمریکا در ایران بود. او ضمن اینکه معتقد است ساواک در داخل کشور جز سلب امنیت اجتماعی، سیاسی و فردی که کشور را به مثابه زندانی بزرگ شکل داده بود، وظیفه دیگری نداشت، در حیطه خارجی هم جز تبعیت از طرح‌ها و خواسته‌های آمریکاییها و سیا وظیفه دیگری برعهده نمی‌شناخت.

رفیع‌زاده که نمایندگی ساواک در آمریکا را عهده‌دار بود به درستی تأکید می‌کند که ساواک در عرصه داخلی کارنامه‌ای سیاه از خود به نمایش گذاشت و با از میان برداشتن مخالفان حکومت به مثابه شعبه‌ای از سیا در ایران و خاورمیانه عمل می‌کرد.

بنابراین می‌شود گفت ساواک هم به لحاظ داخلی و هم در عرصه خارجی جز آنچه سیا برای آن ترسیم کرده بود فعالیت دیگری برعهده نمی‌شناخت و در این میان آنچه هرگز

مورد توجه قرار نگرفت دفاع از حاکمیت ملی و استقلال کشور و نیز حمایت از حقوق اساسی مردم ایران بود.

به نظر می‌رسد جنایات پرشمار و غیرانسانی شهربانی رضاشاه و نقش قاطع شخص او در کشتارها و صدها مورد نقض حقوق انسانی قابل دفاع‌تر از آنی باشد که سالها پس از او فرزندش محمدرضاشاه با ساواکش بدان دست یازید. این بار دیگر حتی شخص شاه نیز استقلال عمل شایان توجهی از خود نداشت و دستگاه اطلاعاتی - امنیتی و پلیسی او (ساواک) هم به‌گونه‌ای اسفبار در دام خواسته‌های بیگانگان افتاده بود:

سازمان اطلاعات و امنیت چرا تشکیل شد؟ تشکیل این سازمان آغازی بود برای سلطه و سانسور و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم. رئیس سازمان از نظر نمودار اداری و تشکیلاتی حکومت، زیر نظر نخست‌وزیر بود اما در واقع رسماً زیر نظر شاه کار می‌کرد. این سازمان می‌باید همه مأموران دولت، نشریات و مطبوعات و جمعیتها و هیئتهای مذهبی و... را زیر نظر می‌داشت. هیچ‌یک از نمایندگان مجلس شورای ملی بدون نظر این سازمان نمی‌توانست وارد مجلس شود. در واقع ایران زندانی بزرگ شده بود که ساواک در آن به بهانه امنیت کشور، دست به هر کاری می‌زد. در خارج از ایران نیز با سیا و موساد همکاری داشت. با کشورهای همجوار مبادله اطلاعات می‌کرد و در منطقه خاورمیانه پایگاه خود را لبنان قرار داده بود. محمدرضا با غرور به داشتن چنین سازمانی افتخار می‌کرد. این در حالی بود که در سال ۱۳۵۴ سیا بیش از پنج هزار جاسوس در ایران داشت و این به آن جهت بود که آمریکا پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قدرت جایگزین انگلیس در ایران شده بود و برای منافع خود با برنامه‌ای وسیع پا به میدان گذاشته بود و ایران را به عنوان یک جزیره ثبات در منطقه می‌خواست تا بتواند خواسته‌هایش را پیش برد. تشکیل ساواک نیز در این راستا بود. در سال ۱۳۳۵ لایحه تشکیل ساواک - سازمان اطلاعات و امنیت کشور - توسط مجلس شورای ملی تصویب و این سازمان در سال ۱۳۳۶ رسماً تأسیس گردید. سازمان ساواک مأمور سرکوب و مقابله با مخالفان رژیم و مبارزات اسلامی بود. ساواک با سیا - سازمان امنیت آمریکا - و موساد - سازمان امنیت اسرائیل - ارتباط داشت و به تدریج به یک سازمان مخوف تبدیل گردید. این سازمان که در واقع اداره مرکزی سیا در خاورمیانه بود تیمهای تعقیب و مراقبتهای متعدد داشت. نخست برای به دست آوردن اطلاعات، دستگیرشدگان را به شکنجه‌گاهها روانه می‌کردند و سپس آنها را به دادگاههای فرمایشی می‌سپردند و پس از حکم دادگاه، که از قبل مشخص و معلوم بود، متهمان

را به زندانهای مخوف محکوم می‌کردند. قساوت و بی‌رحمی ساواک بدان حد بود که دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۳۵۴ اعلام کرد: «کارنامه هیچ کشوری در جهان سیاه‌تر از کارنامه ایران در زمینه حقوق بشر نیست... جلادان ساواک علاوه بر شوک الکتریکی و ضرب و شتم مخالفین، از انواع وحشی‌گریها استفاده می‌کردند...»<sup>۵۱</sup>

هنگامی که ساواک در اواخر سال ۱۳۳۵ تشکیل شد بیش از سه سالی بود که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سپری می‌شد و در این فاصله تقریباً تمامی مخالفان سیاسی حکومت به انحاء گوناگون سرکوب و منزوی شده بودند.

طرفداران مصدق و گروههای سیاسی تشکیل‌دهنده جبهه ملی دیگر جایی در عرصه سیاسی نداشتند و نهضت مقاومت ملی هم که از بقایای این گروهها تشکیل شده بود، دیگر رمقی نداشت.

در همان حال حزب توده و گروههای چپ به شدت سرکوب شده بسیاری از اعضای برجسته آن زندانی، اعدام و یا از کشور فرار کرده بودند.

روحانیون و علمای مذهبی که در رأس همه آنها آیت‌الله کاشانی جای داشت، با توجه به مسائل روی داده برای ایشان پس از اعتراض به قرارداد کنسرسیوم که به ضرب و شتم و دستگیری وی منجر شد به اجبار گوشه عزلت گزیده بود و فرمانداری نظامی کنترلی شدید بر اعمال و رفتار او داشت و فداییان اسلام که در اعتراض به سیاستهای غیراصولی رژیم دست به تحرکاتی جدی‌تر زده و حتی بر آن بودند حسین علاء عاقد قرارداد بغداد را به قتل برسانند، از سوی فرمانداری نظامی تحت شدیدترین فشارها قرار گرفتند و رهبران آن اعدام شدند. در همان حال حکومت با عقد قرارداد کنسرسیوم نفت، عقد پیمان بغداد، برگزاری انتخابات فرمایشی و غیردموکراتیک جامعه ایرانی را از نشاط سیاسی - اجتماعی عاری ساخته، نظامی قبرستانی جایگزین آن نمود. و با تقسیم غنایم نفت ایران و روند رو به گسترش نفوذ آمریکا در ایران دور جدیدی از وابستگی سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی ایران به اردوگاه غرب تحت رهبری آمریکا در حال تکوین بود.

بدین ترتیب وقتی طرح تشکیل ساواک مورد توجه قرار گرفت حکومتگران و حامیان خارجی آنان بر آن بودند سیاستهای در پیش گرفته شده پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



تیمور بختیار در دیدار با توده‌ای‌های نادم [۸۲۲-۴۴ع]

را به‌گونه‌ای گسترده‌تر ادامه دهند.<sup>۵۲</sup> کارنامه ساواک طی سالهای بعد آشکارا این نظریه را اثبات می‌کند:

پس از ۲۸ مرداد حکومت نظامی در کشور ما دائمی شد و از همان فردای کودتا کشتار زیر شکنجه، ترور در خیابان، ربودن مخالفین، حبس و تبعید و غیرقانونی و اعدام سیاسی جزء لاینفک کشورداری گشت. و این ترور متشکل و سازمان‌یافته با تشکیل ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) وارد مرحله نوینی گشت. در کشور ما دستگاه تروریستی و گانگستری عظیمی به وجود آمد که در پیوند با سیاه‌ترین

۵۲. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: جیمز بیل. شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و آمریکا. ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی). ویراستاران: حسین ابوترابیان و عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی. صص ۱۴-۱۳۹؛ تقی نجاری‌راد، همان، صص ۳۰-۳۶.

سازمانهای جاسوسی و تروریستی امپریالیستی و صهیونیستی، از دست یازیدن به هیچ جنایت و عمل پلیدی باک ندارد. اصول اخلاقی آن مافیایی است و مقیاس جنایات آن به طور باورنکردنی گسترده و وسیع. زندانهای این سازمان تروریستی دیگر بی نام و نشان است. دادگاههای نظامی فرمایشی هم دیگر برایش ایجاد مزاحمت می کند. ربودن پنهانی هزاران نفر، نگاهداری آنان در شرایط دلخواه و به مدت دلخواه، تلاش برای سلب حیثیت و اعتبار و خدشه دار کردن شخصیت انسانی زندانیان، کشتن زیر شکنجه، و با گلوله از قفا، پنهان کردن اجساد قربانیان و دزدی اموال مردم و در یک کلمه دست زدن به کثیف ترین اعمالی که با حیثیت و شرف انسانی و با حرمت جامعه بشری تناقض دارد - همه و همه اینها شیوه هایی است که ساواک موجودیت خود را وابسته به وجود و اعمال آنها می بیند و هرچه زمان می گذرد اهمیت این سازمان فزون تر می شود و استغراق آن در باطلاق جنایت و فساد عمیق تر می گردد. ما را قصد بر شماری فهرست جنایات رژیم نیست. چنین کاری به چندین کتاب نیازمند است. تردیدی هم نیست که این کتابها به موقع خود نوشته خواهند شد. قصد ما تنها یادآوری این واقعیت است که در درون دستگاه دولتی ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی - که در مجموع خویش طبق قانون به زیان مردم می چرخد - دستگاه ترور سازمان یافته ای وجود دارد که بر هیچ قانونی متکی نیست، جز خدمت به مرتجع ترین و هارترین محافظ دربار پهلوی و امپریالیسم. در حال حاضر دولت واقعی که بقیه دستگاه دولتی را هم زیر چکمه خود می کوبد، همین دستگاه ترور و آدمکشی است.<sup>۵۳</sup>

بسیاری از پژوهشگران و نیز آگاهان به امور در آن روزگار که بعدها سوءعملکرد ساواک را مشاهده کردند، بر این باور قرار گرفتند که از همان آغاز طرح تشکیل این سازمان با هدف سرکوب ایرانیان از اқشار مختلف صورت گرفت که به انحاء گوناگون روش استبدادی حکومت را بر نمی تافتند.

بدین ترتیب فقط حدود ۱۲ سال پس از سقوط رضاشاه که سایه سنگین نظام استبدادی از کشور رخت بر بست، بار دیگر نظامی مشابه با روشها و ابزارهای نو در حال شکل گیری بود. به عبارت دیگر طرح و تشکیل ساواک نشان تأسف باری بود از آغاز عصری نوین در نقض صریح قانون اساسی مشروطیت و نادیده گرفته شدن حقوق اجتماعی، سیاسی و

فردی ایرانیان از اقشار مختلف.<sup>۵۴</sup>

شخص شاه نیز دربارهٔ علل تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) عقایدی اظهار کرده است. او ضمن این که ساواک را سازمانی نظیر دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهایمانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و غیره می‌داند،<sup>۵۵</sup> مبارزه با کمونیسم و گروه‌های چپ را دلیل اصلی شکل‌گیری ساواک ارزیابی می‌کند. شاه تصریح دارد که ایران به خاطر داشتن مرزهای طولانی با شوروی همواره در معرض خطر از سوی آن کشور بود و بدین ترتیب ساواک مأموریت یافت با سرکوب حزب توده و سایر گروه‌های چپ خطر سلطه شوروی بر ایران را از میان بردارد:

ساواک پس از ماجرای مصدق، به منظور مبارزه با عملیات براندازی کمونیست‌ها در ایران تشکیل شد. من نمی‌خواستم نسبت به رویه دول غربی در برابر کمونیست‌ها، اظهارنظر و قضاوت کنم ولی فراموش نکنیم که ایران دارای یک مرز مشترک طولانی با اتحاد جماهیر شوروی است. گرچه ما موفق شدیم با این کشور روابط مودت‌آمیز حسن همجواری و همکاری اقتصادی برقرار کنیم، با این وجود باید بگوییم که پس از جنگ جهانی دوم، مناسبات ما خالی از اشکال و نشیب و فراز نبود. زیرا در سال‌های جنگ و تا ۱۳۲۵ قسمتی از خاک ایران در اشغال نیروهای شوروی بود و سپس در آخرین ماه‌های حکومت مصدق حزب توده چنان قدرت یافته بود که امید داشت ایران را تحت سلطه خود درآورد. پس ما ناچار شدیم نه به خاطر دفاع از رژیم، بلکه به خاطر حفظ تمامیت ملی، این حزب را غیرقانونی و ممنوع اعلام کنیم.<sup>۵۶</sup>

شاه در جایی دیگر از کتابش *پاسخ به تاریخ* هدف از تشکیل ساواک را جلوگیری از اقدامات براندازانه‌ای می‌داند که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در حال شکل‌گیری بود و تصریح می‌کند که برای تشکیل و تجهیز ساواک از سیا بهره فراوان گرفته شد:

*ایجاد ساواک، به منظور مبارزه با فعالیتهای براندازی خارجی و داخلی علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران بود. مسئولیت بنیان‌گذاری ساواک در سال ۱۳۳۲ به سپهبد تیموربختیار تفویض شد. وی در این کار از «سیا» کمک خواست. تعداد زیادی از*

۵۴. مصطفی الموتی، همان، ج ۱۰، صص ۲۰۷-۲۱۰؛ ویلیام سالیوان و آنتونی پارسونز، *خاطرات دو سفیر (غرور و*

*سقوط)*، ترجمه محمود طلوعی، تهران، علم، ۱۳۷۲، صص ۹۳-۹۹؛ تقی نجاری‌راد، همان، صص ۱۰۰-۱۰۳.

۵۵. محمدرضا پهلوی، *پاسخ به تاریخ*، به کوشش شهریار ماکان، تهران، شهرآب، ۱۳۷۱، ص ۳۶۹.

۵۶. همان، ص ۳۷۰.

کارمندان ساواک برای طی دوره‌های آموزشی به آمریکا رفتند و در اداره مرکزی «سیا» به کارآموزی پرداختند. همچنین دوره‌های کارآموزی و بازآموزی انفرادی و دسته‌جمعی، برای کارمندان سازمان اطلاعات و امنیت کشور در غالب سازمانهای اطلاعاتی اروپای غربی ترتیب یافت تا با روشهای آنان آشنایی حاصل کنند.<sup>۵۷</sup>

اشرف پهلوی خواهر دوقلوی شاه هم در تحلیلی مشابه (ولی اندکی واقع‌بینانه‌تر) تصریح می‌کند که ساواک از سوی سیا و سپس موساد پایه‌گذاری و تجهیز شد و هدف اساسی از تشکیل آن مبارزه با کمونیسم و گروههای چپ بود:

ساواک در واقع زاده همکاری مشترک ما و دوستان آمریکایی بود. اعضایش را سیا (CIA) با همکاری سازمان پلیس مخفی اسرائیل، موساد (MOSAD) تربیت کرده بودند. وظیفه اولیه ساواک کمک به شاه در جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود که خطری درازمدت و همیشه حاضر در صحنه به‌شمار می‌رفت. در این مدت اولین گام توسط تیموربختیار، اولین رئیس ساواک، برداشته شد و منجر به کشف بانندی از کمونیستها گردید که چنان در ارتش رخنه نموده بودند که اگر شناسایی نشده بودند، احتمالاً می‌توانستند با یک کودتا زمام امور را در دست بگیرند و با کمک خارج موفق به استقرار یک حکومت دست چپی در ایران بشوند. علی‌رغم تصویر مخوف و ترسناکی که بعدها از این سازمان به جهانیان ارائه شد، به گمان من ساواک سازمانی بود نه چندان بهتر و یا بدتر از دستگاههای پلیس مخفی و ضد اطلاعاتی دیگر کشورها مانند موساد اسرائیل، یا SDECE فرانسه، و یا MI6 انگلستان. وظیفه ساواک این بود که شاه را از هرگونه مخالفت سیاسی در داخل کشور آگاه سازد.<sup>۵۸</sup>

برخی پژوهشگران و وابستگان نظامی و اطلاعاتی به رژیم پهلوی هم مبارزه با کمونیسم و جلوگیری از سلطه شوروی در ایران را از دلایل اصلی تشکیل ساواک برشمرده‌اند. کریستین دلانوا در کتابش *ساواک* با برشمردن موارد متعددی از سلطه نظامهای کمونیستی طرفدار شوروی در خاورمیانه و قاره آمریکا، تشکیل ساواک را در ایران از سوی آمریکاییها اقدامی برای جلوگیری از رخنه کمونیسم ارزیابی کرده است:

...استدلال آمریکاییها چنین بود. البته، آنان از تار و مار شدن کمونیستها در ایران خشنود بودند. اما محدودیت سرویسهای امنیتی ایران را که منحصراً برای داخل کشور

۵۷. همان، ص ۳۷۱.

۵۸. اشرف پهلوی. چهره‌هایی در آئینه: خاطرات اشرف پهلوی به قلم خودش (ناگفته‌هایی از خاندان پهلوی). به کوشش سعید

قانعی. تهران، امیر مستعان، ۱۳۷۱. صص ۱۹۸-۱۹۹.



سازمان یافته بود به خوبی می‌شناسند. از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، مستشاران آمریکایی در سرویس‌های امنیتی ایران کار می‌کردند. آنها بودند که تصمیم گرفتند ادارات مختلف امنیتی را در یک سازمان واحد جمع کنند که وظیفه‌اش اساساً فعالیت ضد جاسوسی در جهت اتحاد جماهیر شوروی باشد. آمریکاییها میان تهدید شوروی و خطر کمونیسم داخلی تفاوتی نمی‌دیدند. لذا به جای ایجاد دو سازمان مستقل، یکی برای مراقبت درون مرزی، و دیگر برای مراقبت برون مرزی، هر دو وظیفه را درون سازمان واحدی متمرکز کردند. ماده اول قانون تأسیس ساواک، گردآوری اطلاعات برای امنیت کشور بود و ماده دوم آن، تعقیب عملیات جاسوسی از هر سنخ.<sup>۵۹</sup>

محسن مبصر از رؤسای شهربانی دوره پهلوی هم ضمن اینکه تأسیس ساواک را در راستای مبارزه با کمونیسم و حزب توده ارزیابی می‌کند، مدعی است که این هدف هیچ‌گاه از سوی ساواک جدی گرفته نشد و اقدام مؤثرتری در مبارزه بی‌امان با حزب توده و گروههای چپ صورت نگرفت.<sup>۶۰</sup> منوچهر هاشمی هم با ارائه تاریخچه‌ای از فعالیت کمونیست‌ها و حزب توده در ایران دوره پهلوی و اقداماتی که برای جلوگیری از گسترش مرام کمونیستی در ایران صورت گرفته بود، تشکیل ساواک را در راستای تداوم این مبارزه و از میان برداشتن گروههای چپ و حزب توده ارزیابی می‌کند.<sup>۶۱</sup>

با مروری گذرا به کارنامه ساواک در طول حدود بیست و دو سال فعالیت، آشکار می‌شود که مبارزه با حزب توده و کمونیسم نمی‌تواند تنها علت تشکیل ساواک در نظر گرفته شود. شاید به دلایل عدیده آمریکاییها و سیا در آن روزگار فکر مبارزه با کمونیسم را به حکومتگران وقت کشور القا کرده باشند، اما آنچه شد آنی نبود که گفته می‌شد. ساواک در طول دوران فعالیت البته گروههای چپ را نیز به شدت تحت تعقیب قرار می‌داد، اما این تنها مأموریت و یا حیطة عمل آن باقی نماند. بلکه سایر گروههای سیاسی، مذهبی، و فرهنگی و نیز اقشار وسیع دیگری از مردم کشور هیچ‌گاه از تیررس فشارها، آزاررسانیها و سبعبیتهای این سازمان در امان نماندند. روحانیون و علمای مبارز، گروههای سیاسی طرفدار مصدق (جبهه ملی - نهضت آزادی) و دهها گروه و تشکل دیگر به شدت از سوی

۵۹. کریستین دلا نووا. ساواک. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران، طرح نو، ۱۳۷۱. صص ۶۵-۶۷.

۶۰. محسن مبصر. پژوهش؛ نقدی بر خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست و گزیده‌هایی از یادمانده‌های نویسنده. به کوشش افشین مبصر. آمریکا، نشر کتاب، ۱۹۹۶م. صص ۲۷۴-۲۷۵.

۶۱. منوچهر هاشمی، همان، صص ۸۵-۹۳.

ساواک تحت تقیب قرار گرفتند که هیچ‌یک با گروه‌های چپ همسویی نداشتند. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که ساواک صرفاً برای مبارزه با کمونیسم و از میان برداشتن گروه‌های چپ و حزب توده در ایران بنیان نهاده شد.

## روند تشکیل ساواک

از اواسط سال ۱۳۳۵ اخبار و گزارش‌هایی در نشریات و روزنامه‌ها منتشر می‌شد که حاکی از تلاش دولت علاء برای تشکیل سازمانی اطلاعاتی - امنیتی بود. گفته می‌شد که با تشکیل این سازمان جدید بر فعالیت فرمانداری نظامی پایان داده خواهد شد و ترکیبی از افسران و نیروها آن سازمان جدید را اداره خواهد کرد.

در روز چهارشنبه ۱۱ مهر ماه ۱۳۳۵ اعلام شد که هیئت‌وزیران طرح تشکیل سازمان امنیت را تصویب کرده است و برای تأسیس آن نیازی به تأیید و تصویب مجلس شورای ملی و سنا وجود ندارد «زیرا یک اداره عمومی است که اجازه تشکیل آن با هیئت‌وزیران است». با این حال تصریح شده بود حیطة فعالیت و اختیارات آن را باید مجلسین تعیین، تصویب و تأیید کنند. وعده داده شده بود که به زودی در همین رابطه لایحه‌ای تقدیم مجلس شورای ملی خواهد شد و چند روز بعد گفته شد که محل استقرار سازمان امنیت در خیابان ایرانشهر خواهد بود و برای اداره و سازماندهی آن در مرحله اول ۳۵ تن از افسران و درجه‌داران ستاد ارتش در نظر گرفته شده‌اند.<sup>۶۲</sup>

آنچه بود از همان آغاز نگرانیهای فزاینده‌ای در میان مردم پدیدار شد که به درستی پیش‌بینی می‌کردند با پای گرفتن سازمانی از این نوع بیش از پیش سرکوبها تداوم خواهد یافت و سلب امنیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فردی مردم کشور از اقشار مختلف به نهایت خواهد رسید. برخی مخالفتها نیز به طور جسته و گریخته در نشریات انعکاس یافت. اما دولت وعده داد که نگرانیهای پیش‌آمده بی‌مورد است و این سازمان جدید جانشین فرمانداری نظامی نخواهد شد. این اظهارات که از سوی وزیر جنگ دولت علاء ابراز شد به خاطر رعب و وحشت زایدالوصفی بود که فرمانداری نظامی در طول بیش از سه سال (پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) در سراسر کشور ایجاد کرده و مخالفان سیاسی حکومت را

به شدت سرکوب و منزوی ساخته بود.

بدین ترتیب برای رفع نگرانی مردم، که البته از میان هم نرفت، گفته شد که «مانند همه سازمانهای مشابه در دنیا فعالیت آن جلوگیری از عملیات خرابکارانه و اقداماتی است که مخالف مصالح کشور است.»<sup>۶۳</sup> با این حال مردم کشور و به‌ویژه آگاهان به امور سیاسی به درستی واقف بودند که مقصود از عملیات خرابکارانه و نیز مصالح کشور سرپوشی است برای سرکوبهای شدیدی که در آینده مخالفان حکومت پهلوی را نشانه رفته بود.

چنانکه از خاطرات عیسی پژمان آخرین نماینده ساواک در عراق برمی‌آید طرح اولیه تشکیلات ساواک مدت کوتاهی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مود توجه قرار گرفت. اگر اظهارات پژمان قرین با واقعیت باشد مأموریت تدوین طرح اولیه تشکیل ساواک برعهده سرلشکر حسن پاکروان رئیس سابق رکن ۲ ستاد ارتش نهاده شده بود و گویا این طرح اولین بار از سوی همین سرلشکر حسن پاکروان تهیه و تدوین شد. عیسی پژمان که به گفته خود از سوی ریاست رکن ۲ ارتش، سرهنگ مصطفی امجدی، مأموریت یافته بود با حسن پاکروان ملاقات کرده در امر مهمی (که گویا خود او نیز از جریان آن بی‌اطلاع بود) او را یاری کند، بعدها در خاطراتش درباره این ملاقات و طرحی که از سوی پاکروان برای تشکیلات ساواک در دست تهیه بود، چنین نوشته است:

... روز بعد پس از حضور در محل خدمتی، به رئیس رکن دوم، سرهنگ آن روز و تیمسار سپهبد امروز، مصطفی امجدی، رئیس رکن ۲ فرمانداری نظامی که رئیس بلاواسطه من بود مراجعه و مسئله همکاری با مرحوم تیمسار پاکروان را بدون ذکر موضوع یا مطلبی به ایشان اطلاع داده و با کسب اجازه در رأس ساعت ۴ بعدازظهر به دفتر فرماندار نظامی رفتم. ایشان در همان پشت میز سرتیپ تیمور بختیار نشستند و باکمال ادب از جا برخاسته و اجازه نشستن به من دادند. اظهار داشت: من فعلاً متن قانون و مقررات سازمان اطلاعات و امنیت کشور را که باید تشکیل شود، نوشته‌ام. به میز کوچک دیگری که در کنارش بود هدایتهم کرد و گفت آنها را بخوانید، ممکن است خط فارسی من چندان خوب و خوانا نباشد، اگر اشکالی دارید سؤال کنید. من شروع به خواندن متن یا طرحی که باید به صورت قانون در بیاید و سازمان اطلاعات و امنیت کشور طبق آن تشکیل شود، کردم. هر جا کلمه یا کلماتی ناخوانا و یا جمله‌ای ناقص و نامفهوم بود از ایشان سؤال می‌کردم، بلافاصله از کار خود دست

۶۳. آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد. تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹. ج ۲، ص ۷۸۷.

کشیده و متن را برای من می‌خواند و اگر اشکالی در معنا و مفهوم جملات داشت با هم تبادل فکر کرده صحیح‌ترین را در جا و محلش می‌نوشتیم. من از قرائت متن قانونی تشکیل چنین سازمانی و مقررات و وظایف اجرایی هر یک از ادارات مختلف آن واقعاً لذت بردم و فکر کردم با این مواد و با این نحوه و طرز اجرا آن چنان امنیت و آسایشی برای مملکت و ملت به وجود خواهد آمد که در طول تاریخ ایران بی‌سابقه خواهد بود. زیرا آنچه که از نظر جمع‌آوری اطلاعات و بهره‌برداری و بهره‌گیری از آنها به خاطر تأمین منافع و مصالح ملت و ایجاد امنیت در سراسر کشور نوشته بود جالب و امیدوارکننده بود.<sup>۶۴</sup> ساواک و سازمانی که مرحوم پاکروان طرح‌ریزی کرده بود، سازمانی جز خدمتگزار واقعی ملک و ملت نبود. سازمانی که جز تأمین رفاه و آسایش مردم نظری نداشت. هدفی جز مبارزه با عناصر فاسد و مخرب، و عوامل خرابکار و خائن به ملت و کشور نداشت، جمع‌آوری اطلاعات برای تأمین امنیت، نه امنیت و آسایش را فدای اطلاعات و خبرچینی و ایجاد زحمت و ناراحتی و نارضایتی برای مردم کردن و استفاده از کل عناصر و عوامل ارتشی و غیرارتشی پاکستان، درستکار، باشرف و خدمتگزار برای اجرای قانون و مقررات ساواک.<sup>۶۵</sup>

چنانکه از نوشته‌های پیمان برمی‌آید گویا در همان هنگام تدوین مقررات مربوط به حیطة فعالیت و عمل ساواک هم تردیدهایی به وجود آمده بود که مقررات وضع شده امکان فراوانی برای سوءعملکرد تشکیلات در دست تأسیس فراهم خواهد آورد و موجب خواهد شد اعضای آن تشکیلات با بهره‌گیری از امکانات و اختیارات وسیع و کمتر محدود شونده‌ای که برای آن وضع شده است در مسیری انحراف‌آمیز گام نهند و در نتیجه خود عامل فساد و ناامنی شوند:

...چند روزی پانویس این قوانین و مقررات و وظائف، آن هم در حضور خود مرحوم پاکروان، به طول انجامید. سپس سؤال کردم: تیمسار فکر می‌کنید این قوانین و مقررات که منجر به تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور خواهد شد، با وظائفی که برای هر اداره نوشته‌اید، به واقع و حقیقت اجرا و منجر به تأمین منافع و مصالح واقعی ملت و کشور خواهد شد؟ اظهار داشت: بلی، به شرط آنکه به دست افسران و غیرنظامیان با شرف و خدمتگزار و پاکدامن و علاقه‌مند به ملک و ملت سپرده

۶۴. تردیدی نیست که قضاوت عیسی پیمان درباره عملکرد و حیطة فعالیت ساواک با آنچه اتفاق افتاد هیچ‌گونه سازگاری و همخوانی ندارد.

۶۵. عیسی پیمان، اسرار بستن قرارداد ۱۹۷۵/الجزایر، صص ۱۲-۱۳؛ نیز بنگرید به: عیسی پیمان. اثر انگشت ساواک، رازها، ناگفته‌ها و ناشنیده‌ها. پاریس، ژن، ۱۹۹۴/۱۳۷۲. صص ۸۳-۸۶.



حسن پاکروان دومین رئیس ساواک در سفر به آلمان غربی [۱۱۲۱-۱۱۲۱هـ]

شود. گفتم: این افسران و غیرنظامیان حائز چنین شرایطی از کجا و چگونه انتخاب و جمع‌آوری می‌کنید و چنین سازمانی را به وجود خواهید آورد؟ گفت: مملکت وسیعی با عناصر و عوامل انسانی خیلی خوبی داریم، هر اندازه که قضاوت‌های نابجای ایرانی ما را غیر از آنچه که هستیم به عالم معرفی کرده ولی در ارتش و سایر سازمانهای انتظامی و ادارات مختلف دولت و سازمانهای غیرنظامی و حتی در همین بازار و دکانها که به نظر من و شما خیلی کوچک و کم‌اهمیت جلوه می‌کنند، افرادی که حائز شرایطی خیلی بالاتر از آنچه که فکرش را می‌کنید وجود دارد اما نشناخته هستند. این‌گونه اشخاص را تصادف و اتفاق و یا هر مورد دیگری به انسانهای دیگر می‌شناساند. باید با تمام قوت و قدرت و صبر و حوصله جست‌وجو کرد و از بین بهتر، بهترین را برای تشکیل این سازمان انتخاب کنیم. البته انتخاب اولیه و تشکیل اولیه، طرز کار و رفتار اولیه تشکیل‌دهندگان چنین سازمانی اگر درست باشد، تا ثریا کارها درست و نتایج ارزنده‌ای برای تأمین منافع و مصالح ملک و ملت به دست خواهد آمد. ولی اگر:

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج<sup>۶۶</sup>

سپهبد محسن مبصر هم در خاطرات خود این اظهارات عیسی پژمان را تأیید می‌کند و می‌نویسد که وقتی آشکار شد با پایان تدریجی دوران فعالیت فرمانداری نظامی هنوز مخالفان سیاسی رژیم (و عمدتاً حزب توده و کمونیسم) چنانکه باید ریشه‌کن نشده‌اند و در همان حال رکن ۲ ارتش هم نخواهد توانست جانشین مناسبی برای فرمانداری نظامی باشد. طرح تشکیل ساواک مورد توجه قرار گرفت و حسن پاکروان عهده‌دار تدوین مقررات مربوط به تشکیل ساواک شد. مبصر که گویا خود نیز در بخشهایی از طرح مذکور مشارکت کرده بود، در این باره چنین نوشته است:

فرمانداری نظامی تهران هنگامی که می‌رفت پایان پذیرد هنوز خطر کمونیسم و تجدید قوای حزب شکست‌خورده و متلاشی‌شده توده، به‌گونه‌ای اطمینان‌بخش از میان برنخاسته بود و لزوم تشکیل یک سازمان اطلاعاتی و امنیتی جوابگوی نیازمندیهای کشور، به‌ویژه با فقدان فرمانداری نظامی، بیشتر احساس می‌شد. برای طرح‌ریزی و بنیان‌گذاری چنان سازمانی که بتواند در گامهای نخستین کارهای پایان‌نیافته رکن دوم ستاد ارتش را به انجام رسانده و جای خالی فرمانداری نظامی را پر کند و به



تدریج پس از تکمیل سازمان، امنیت برون مرزی و درون مرزی را از جنبه‌های مختلف آن برآورد، کمیسیونی به سرپرستی شادروان سرلشکر حسن پاکروان و با شرکت آگاهان و متخصصین کارهای اطلاعاتی در فرمانداری نظامی (در حال پایان پذیرفتن)، تشکیل یافت. من (سرهنگ ستاد محسن مبصر) در آن روزها، هم ریاست تجسس و اطلاعات رکن دوم ستاد ارتش را برعهده داشتم و هم رئیس ستاد فرمانداری نظامی تهران و راه‌آهن سرتاسری کشور بودم و در کمیسیون گفته شده نیز عضویت داشتم و مأموریت بررسی و پیشنهاد سازمان اداره کل امنیت داخلی (اداره کل سوم) سازمانی که می‌رفت به وجود آید، به من محول شده بود. با تجربه‌های چندین ساله‌ای که درباره امنیت داخلی از جنبه‌های گوناگون آن داشتم، طرح خواسته شده را در اندک زمانی فراهم و پیشنهاد کردم. این طرح در بست مورد تصویب قرار گرفت و گذشته از آنکه استخوان‌بندی سازمانی اداره کل سوم سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) روی آن بنیانگذاری شد، می‌توانم بگویم که ساواک هم تنها با آن طرح آغاز به کار کرد. خود من هم به ریاست آن اداره کل پیشنهاد شدم. با آنکه این پیشنهاد به تصویب رسیده و فرمان انتقال من از ارتش به سازمان امنیت و اطلاعات کشور ابلاغ گردیده بود، من به دلایلی که از آوردن آن خودداری می‌کنم، از پذیرفتن آن سرباز زدم و با کمک شادروان ارتشید عبدالله هدایت رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، در ارتش باقی ماندم و با سمت وابسته نظامی ایران در کشورهای عربی به بغداد عزیمت کردم.<sup>۶۷</sup>

شواهد و قرائنی هم وجود دارد که حاکی از همکاری نزدیک برخی از افسران ارشد سیا با دولت کودتا و فرمانداری نظامی تیمور بختیار برای طرح و تشکیل یک واحد اطلاعاتی - امنیتی کارآمد است. بدین ترتیب می‌شود استنباط کرد که میان اقدام حسن پاکروان در تدوین طرح اولیه تشکیل ساواک با فعالیتهای همزمان مأموران سیا در ایران هماهنگی و ارتباط مستقیمی وجود داشته است.

بنابراین باید گفت که آمریکاییها و سیا از همان آغازین مراحل طرح تشکیل ساواک در جریان امور قرار داشته‌اند و این هم که در گزارشها و اسناد متعدد از سیا به عنوان طراح و مؤسس اصلی ساواک یاد می‌شود مؤید همین موضوع است.<sup>۶۸</sup>

مارک. ج. گازیوروسکی درباره حضور مأموران اطلاعاتی - امنیتی سیا در ایران (پس

۶۷. محسن مبصر، همان، صص ۲۳۶-۲۳۸.

۶۸. عبدالرحمن احمدی. ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۱. صص ۷۴-۷۸.



از کودتا) و تلاش آنان برای طرح و تشکیل واحدی اطلاعاتی - امنیتی در کنار فرمانداری نظامی چنین نوشته است :

سیا تعلیم نیروهای اطلاعاتی ایران را نیز آغاز کرد. در سپتامبر ۱۹۵۳ [۱۳۳۲] یک سرهنگ ارتش آمریکا که سالها برای سیا در خاورمیانه کار کرده بود و پیش‌زمینه وسیعی در کار پلیسی و کارآگاهی داشت در پوشش وابسته نظامی به ایران اعزام شد. مأموریت او سازمان دادن و فرماندهی یک واحد جدید اطلاعاتی بود که در آن زمان زیر نظر فرمانداری نظامی تهران تأسیس شد که در دسامبر ۱۹۵۳ زیر فرماندهی سرتیپ تیمور بختیار قرار گرفته بود. سرهنگ همکاری نزدیکی با بختیار و زیردستانش داشت، این واحد را فرماندهی می‌کرد و به اعضای آن فنون پایه‌ای اطلاعات از قبیل روشهای مراقبت و بازجویی، عملیات شبکه‌های اطلاعاتی و امنیت سازمانی را یاد می‌داد. واحد اطلاعاتی بختیار نخستین سازمان اطلاعاتی امروزی و کارآمد بود که در ایران عمل می‌کرد.<sup>۶۹</sup>

گازپوروسکی در جایی دیگر از همین کتاب چنین نوشته است:

سرهنگی از ارتش آمریکا که اندکی پس از کودتای ۱۹۵۳ [۱۳۳۲] برای آموزش و فرماندهی واحد اطلاعاتی جدید سرتیپ بختیار به ایران فرستاده شده بود تا مارس ۱۹۵۵ [۱۳۳۴] در ایران ماند و در این زمان با دسته ثابت‌تری از پنج افسر سیا جایگزین شد. در ۱۹۵۶ [۱۳۳۵] شاه پس از مشورت با مقامهای آمریکا تصمیم گرفت این واحد اطلاعاتی را تجدید سازمان کند و گسترش دهد. سازمان جدید که ساواک نام گرفت زیر فرماندهی بختیار قرار گرفت که معاون نخست‌وزیر شد و امکان دسترسی مستقیم به شاه به داده شد. نخستین هدف شاه از تأسیس ساواک ایجاد دستگاه اطلاعاتی امروزی کارآمدی بود که قادر باشد تهدیدهای داخلی و خارجی علیه سلطه او را شناسایی و با آنها نبرد کند و از رقابتهای خرد و ریز و لختی دیوانسالارانه‌ای که واحدهای اطلاعاتی موجود (مثلاً واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی) گرفتار آن بودند رها باشند [...] بختیار در [سال] ۱۹۵۶ [۱۳۳۵] ش] به آمریکا سفر کرد تا با مقامهای آمریکایی مشاوره کند و نحوه کار سیا و اف. بی. آی را بررسی کند. [...] راینزی و آموزش آمریکاییها در تبدیل ساواک به یک سازمان اطلاعاتی کارآمد حیاتی بود.<sup>۷۰</sup>

۶۹. مارک.ج. گازپوروسکی. سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنای دولتی دست‌نشانده در ایران. ترجمه فریدون فاطمی. تهران،

نشر مرکز، ۱۳۷۱. ص ۱۶۲.

۷۰. تقی نجاری‌راد، همان، صص ۳۶-۳۸.

## قانون تشکیل ساواک

بدین ترتیب وقتی دولت حسین علاء بر آن شد رسماً تشکیل ساواک را مورد تأیید و تصویب قرار دهد طرح تشکیلاتی آن آماده بود. وزیر کشور وقت اسدالله علم، که لایحه تشکیل ساواک را به مجلس شورای ملی ارائه داد، تصریح کرد که این قانون متضمن هیچ‌گونه مضاری برای کشور نخواهد بود و هنگامی که برخی از نمایندگان، به اصطلاح برای خالی نبودن عریضه، برخی مفاد آن را مورد انتقاد قرار داده و نسبت به عواقب سوء تصویب آن هشدار دادند، موافقان و نیز وزیر کشور ضمن ارائه توضیحاتی پیرامون طرح نگرانی مخالفان را بی‌مورد دانستند.

در هر حال، مجلس شورای ملی با اکثریت آراء طرح تشکیل ساواک و مواد قانونی آن را تصویب و تأیید نمود. پس از آن لایحه برای تصویب نهایی و ابلاغ به دولت به مجلس سنا رفت. در مجلس سنا هم چند تن از نمایندگان بر لایحه تصویب شده مذکور انتقاداتی وارد ساختند. از جمله ابراهیم خواجه‌نوری آن را ظالمانه‌ترین لوایحی برشمرد که تا آن روزگار از سوی دولت به مجلسین شورای ملی و سنا ارائه شده بود. او تصریح کرد که پس از تصویب و لازم‌الاجرا شدن این لایحه قانونی مضرات و مشکلات عدیده‌ای متوجه مردم کشور خواهد شد و موجبات سوءاستفاده فراوان مأموران مربوطه را فراهم خواهد ساخت. وزیر دادگستری که به هدف دفاع از لایحه در مجلس سنا حضور یافته بود نگرانیهای خواجه‌نوری را بی‌مورد خوانده و تصریح نمود که دولت هیچ‌گونه مقصود سوئی از تصویب این قانون و تشکیل ساواک ندارد و مدعی شد که در ارائه این لایحه دولت اقدام تازه‌ای جز آنچه سابق بر این به‌طور پراکنده در دستگاه قضایی و غیره مجرا بوده انجام نداده است. عباسقلی گلشائیان وزیر دادگستری خواجه‌نوری را متهم ساخت که به خاطر ناآگاهی از محتوای قانون بر آن ایراد وارد کرده است و افزود که هیچ‌گونه قرینه‌ای مبنی بر ظالمانه بودن طرح قانونی تشکیل ساواک وجود ندارد. سناتور سپهبد احمد امیراحمدی هم در دفاع از سخنان گلشائیان وزیر دادگستری تصویب قانون ساواک را برای امنیت کشور ضروری و تردیدناپذیر ارزیابی کرد. با این حال خواجه‌نوری قانع نشد و در پایان سخنانی (که پس از دفاعیات وزیر دادگستری و امیراحمدی ایراد کرد) در توصیف قانون تشکیل ساواک شعری را قرائت کرد که حاوی مضمونی هشدارآمیز نسبت به عواقب سوء تشکیل



علی معتمد از رؤسای ساواک به اتفاق نعمت‌الله نصیری، رئیس ساواک و سر تپ فرزین رئیس اداره اول و تعدادی از مدیران ارتش ساواک در یک مراسم داخلی [۸۳۰-۸۳۸-۸۳۸]

و فعالیت «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» بود.<sup>۷۱</sup>

سناتور جمال امامی هم مخالفتهای دیگری با لایحه قانونی تشکیل ساواک ابراز داشت، اما پیشاپیش آشکار بود که این گونه مخالفتها از اهمیت چندانی برخوردار نیست و بدین ترتیب مجلس سنا هم پس از چند جلسه مباحثه و مشاوره نهایتاً رأی به تأیید آن داد.<sup>۷۲</sup> در قانون تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور، که در ۲۳ اسفند ۱۳۳۵ به تصویب رسید، چنین آمده است:

قانون مربوط به تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۳۵

ماده ۱. برای حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه که مضر به مصالح عمومی است سازمانی به نام اطلاعات و امنیت کشور وابسته به نخست‌وزیری تشکیل می‌شود و رئیس سازمان سمت معاونت نخست‌وزیر را داشته و به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی منصوب خواهد شد.

ماده ۲. سازمان اطلاعات و امنیت کشور دارای وظایف زیر است:

الف. تحصیل و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور؛

ب. تعقیب اعمالی که متضمن قسمی از اقسام جاسوسی است و عملیات عناصری که برضد استقلال و تمامیت کشور و یا به نفع اجنبی اقدام می‌کنند؛

ج. جلوگیری از فعالیت جمعیت‌هایی که تشکیل و اداره کردن آن غیرقانونی اعلام شده یا بشود و همچنین ممانعت از تشکیل جمعیت‌هایی که مرام و یا رویه آنها مخالف قانون اساسی است؛

د. جلوگیری از توطئه و اسباب‌چینی بر ضد امنیت کشور؛

ه. بازرسی و کشف و تحقیقات نسبت به بزه‌های زیر:

۱. بزه‌های منظور در قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰؛

۲. جنحه و جنایاتی که در فصل اول باب دوم قانون کیفر عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ پیش‌بینی شده است؛

۳. بزه‌های مذکور در مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۶ و ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۷؛

۷۱. همان، صص ۳۸-۴۰.

۷۲. همان.

ماده ۳. مأمورین سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیث طرز تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون و انجام وظایف در زمره ضابطین نظامی محسوب و از این حیث دارای کلیه اختیارات و وظائف ضابطین نظامی خواهند بود و از تاریخ تصویب این قانون رسیدگی به کلیه بزه‌های مذکور در صلاحیت دادگاههای دائمی نظامی خواهد بود. تبصره ۱. انجام وظایف و تکالیف سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیثی که ضابط نظامی محسوبند به هیچ‌وجه مانع انجام وظایف و تکالیفی که به موجب قانون دادرسی و کیفر ارتش برعهده ضابطین نظامی است نخواهد بود و همچنین مواد این قانون مانع اجرای قوانین و احکام و آیین‌نامه‌ها و مقرراتی که مربوط به تکالیف مأمورین نظامی و ژاندارمری و شهربانی نسبت به انجام وظایف و خدمات محوله است نمی‌باشد. تبصره ۲. رسیدگی به بزه‌هایی که به موجب این قانون در صلاحیت دادگاه دائمی نظامی شناخته شده و متهمین به ارتکاب بزه‌های مزبور که قبل از تصویب این قانون در مراجع صالح دیگر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند هرگاه بر علیه متهمین کیفرخواست صادر نگردیده پرونده‌های متشکله به دادستانی ارتش جهت تعقیب و رسیدگی فرستاده می‌شود و نسبت به پرونده‌هایی که کیفرخواست صادر شده در دادگاههای مربوط رسیدگی خواهد شد.

ماده ۴. کارمندان سازمان اطلاعات و امنیت کشور هرگاه متهم به ارتکاب بزه‌های شوند که راجع به خدمت بوده یا ملازمه با خدمات و وظایف آنها داشته باشد در حکم نظامیان و خدمتگزاران ارتش هستند و با رعایت مقررات قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۷ تابع دادگاههای دائمی نظامی خواهند بود. ماده ۵. اساسنامه سازمان و آیین‌نامه‌های داخلی و استخدامی و مالی مربوط به این قانون با تصویب هیئت دولت قابل اجرا است.

قانون فوق که مشتمل بر پنج ماده و دو تبصره است در جلسه پنجاه و بیست و سوم اسفند یکهزار و سیصد و سی و پنج به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت<sup>۷۳</sup>

قریب به دو سال بعد و در ۴ دی ماه ۱۳۳۷ از سوی مجلس شورای ملی اصلاحاتی در قانون مذکور صورت گرفت و دو ماده قانونی به شرح زیر (به عنوان اصلاحیه) بدان افزوده شد:

---

۷۳. مجموعه قوانین و مصوبات دوره نوزدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی. تهران، مجلس شورای ملی، ۱۳۴۳. ج ۱، صص ۵-۷؛ نیز بنگرید به: تقی نجاری‌راد، همان، صص ۲۲۹-۲۳۰؛ هارالد ایرنبرگر. درباره ساواک به مثابه یکی از ابزارهای سلطه امپریالیسم و ارتجاع. بی‌جا، جمعیت آزادی، ۱۹۷۸م. صص ۴۱-۴۴؛ اصغر صارمی شهاب. احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸. صص ۷۸-۷۹؛ اسکندر دلد. اسرار زندان اوین، همان، صص ۴۴-۴۷؛ درباره جنایات ساواک. بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، صص ۱۹۵-۱۹۶.

## قانون اصلاح قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مصوب ۴ دی ماه ۱۳۳۷

ماده اول - در مورد بزه‌های مصرح در قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور مصوب بیست‌ونهم [اصحیح بیست‌وسوم] اسفند ماه ۱۳۳۵ هرگاه متهم نظامی یا کارمند نیروهای مسلح شاهنشاهی باشد وظیفه ضابطین به عهده اشخاص مندرج در ماده ۱۲۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش و مأمورین سازمان ضد اطلاعات خواهد بود.

ماده دوم - مأمورین سازمان ضد اطلاعات در زمره ضابطین نظامی محسوب می‌شوند. قانون فوق که مشتمل بر دو ماده است پس از تصویب مجلس سنا در جلسه پنجمین به چهارم دی ماه یک‌هزار و سیصد و سی و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

نایب‌رئیس مجلس شورای ملی - عماد تربتی<sup>۷۴</sup>

از دیگر قوانینی که تقریباً همزمان با تصویب قانون تشکیل ساواک از تأیید و تصویب نمایندگان مجلسین شورای ملی و سنا گذشت، «قانون حفظ امنیت اجتماعی» بود. گویانکه این قانون ارتباط مستقیمی با وظایف تعریف شده برای ساواک نداشت اما طی سالهای بعد مخالفت مردم از اقشار مختلف (بالأخص تحت رهبری روحانیون و علما) بر ضد حکومت روندی تمام نشدنی گرفت، قانون مذکور مکرر مورد توجه قرار گرفت و با تشکیل کمیسیونهای امنیت اجتماعی در شهرهای مختلف که نمایندگان ساواک هم در آن حضوری پررنگ داشتند محکومیت‌های مکرری برای مخالفان حکومت صادر شد.<sup>۷۵</sup> با استناد به همین مواد قانونی روحانیون و افراد پرشمار دیگری از مخالفان حکومت در طول دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به بخش‌های مختلف کشور تبعید شدند. در قانون حفظ امنیت اجتماعی که شامل ۶ ماده بود و در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۳۵ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت، چنین آمده بود :

### قانون حفظ امنیت اجتماعی

مصوب ۲۳ بهمن ماه ۱۳۳۵

ماده ۱. برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری کمیسیونی به نام (کمیسیون امنیت اجتماعی) مرکب از فرماندار - رئیس دادگاه شهرستان و در صورت نبودن رئیس دادگاه شهرستان رئیس دادگاه بخش - دادستان - رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود.

۷۴. مجموعه قوانین و مصوبات دوره نوزدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ج ۱، همان، صص ۷-۸.

۷۵. پرداختن به این موضوع مجال دیگری می‌طلبد.





سپهبد نعمت‌الله نصیری رئیس ساواک در مراسم تشییع جنازه سرتیپ زندپور رئیس کمیته مشترک ساواک [۱۸-۴۷۳۴۲ن]

ماده ۲. وظایف کمیسیون مزبور عبارت است از:

الف. رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک نمایند به نحوی که موجبات سلب آسایش و اخلال در نظم و آرامش را عملاً فراهم سازند؛

ب. رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که کشاورزان را به تمرد و خودداری از دادن بهره یا امتناع از عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق حق مالکیت یا بقسمی که مانع انجام وظیفه مأمورین دولت باشد وادار نمایند؛

ماده ۳. در موارد مذکور در ماده ۲ کمیسیون امنیت اجتماعی فوراً رسیدگی و متخلف را پس از ثبوت تقصیر به دو ماه تا شش ماه اقامت اجباری در محلی که کمیسیون



تعیین کند به استثنای نقاط بد آب و هوا محکوم می نماید. کمیسیون می تواند نظر به اهمیت تقصیر و تأثیر آن در اختلال نظم عمومی محل قرار اجرا موقت تا صدور حکم نهایی صادر نماید. قرار اجرای موقت در حوزه فرمانداریهای تابعه استانداریها با تأیید وزارت کشور و در حوزه فرمانداریهای تابعه استانداریها با تأیید استاندار به موقع عمل گذاشته می شود. ماده ۴. تصمیمات کمیسیون باید فوراً به محکوم ابلاغ شود و محکوم علیه حق دارد در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی به دادگاه استانی که عمل در حوزه آن واقع شده شکایت نماید. دادگاه استان فوراً خارج از نوبت با حضور متهم به شکایت مزبور رسیدگی کرده رأی مقتضی صادر خواهد نمود. طرز رسیدگی دادگاه استان در این مورد مطابق مقررات عمومی خواهد بود و رأی دادگاه قطعی و لازم‌الاجرا است.

ماده ۵. محکومین به حکم قطعی لازم‌الاجرا پس از انقضای ربع مدت محکومیت می توانند تقاضای بخشودگی نمایند. در این صورت پرونده امر به دادگاه استان که مرجع رسیدگی پژوهشی است ارجاع می شود رأی دادگاه استان قطعی است. ماده ۶. وزارتین دادگستری و کشور مامور اجرای این قانون می باشند. قانون فوق مشتمل بر شش ماده در جلسه روز سه شنبه بیست و سوم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سی و پنج به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت<sup>۷۶</sup>

پس از تصویب نهایی قانون تشکیل ساواک در مجلس شورای ملی و سنا شاه طی فرمانی به شرح زیر هیئت دولت را به اجرای آن ملزم نمود:

با تأییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

[محل صحه ملوکانه]

نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می داریم:

ماده اول - قانون مربوط به تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور که به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط است<sup>۷۷</sup> به موقع اجرا گذاشته شود.

۷۶. مجموعه قوانین و مصوبات دوره نوزدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ج ۱، همان، صص ۳-۵.

۷۷. برای اجتناب از اطاله کلام از انضمام قانون تشکیل ساواک به دستخط شاه اجتناب شد.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند. به تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۳۵  
شماره ۴۶۸۴ - ۱۰ فروردین ماه ۳۶ - دفتر مخصوص شاهنشاهی

بدین ترتیب با تصویب و تأیید نهایی قانون تشکیل ساواک این سازمان جدیدالولاده آماده بود، چنانچه دلخواه حکومتگران و البته حامیان خارجی آنها بود، فعالیتش را طبق وظایفی که برای آن تصویب شده بود، آغاز کند. با این توضیح که، در همان مقطع هم، حتی خوشبین‌ترین ناظران و آگاهان به امور نیز، در جبین این سازمان در حال شکل‌گیری، نور رستگاری نمی‌دیدند.